

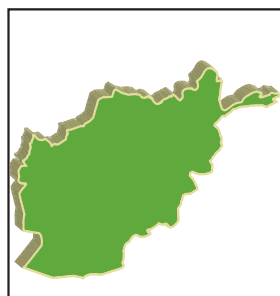
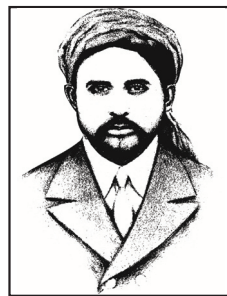


وطن دوستی

صنف ۷



۱۲۹۸





سرود ملی

د اعزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه پان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زره وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیري
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وطن دوستی

صنف ۷

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



مشخصات کتاب

مضمون: وطندوستی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش علوم اجتماعی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هفتم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ‌خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.



پیام وزیر معارف

اقراً باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویدا است، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می نمایند. در چنین برهه سرنوشت ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت های مهم وزارت معارف پنداشته می شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه های فردای کشور می خواهیم تا از فرصت ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن ها در این راه مقدس و انسان ساز موفقیت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مرفعی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف





فهرست

شماره درس	عنوان	صفحه
درس اول	ستایش خداوند متعال	۱
درس دوم	اخلاق پیامبر اسلام ﷺ	۴
درس سوم	پیشینه تاریخی افغانستان	۷
درس چهارم	در وصف زیبایی های وطن	۱۱
درس پنجم	وطن دوستی	۱۳
درس ششم	استاد خلیل الله خلیلی	۱۷
درس هفتم	به پیشگاه وطن	۲۰



شماره درس	عنوان	صفحه
درس هشتم	منافع ملی	۲۳
درس نهم	قهرمانان ملی	۲۷
درس دهم	شهید محمد موسی شفیق	۳۱
درس یازدهم	خاک و وطن	۳۴
درس دوازدهم	وحدت و همبستگی افغان‌ها در دفاع از وطن	۳۷
درس سیزدهم	عمران وطن	۴۰
درس چهاردهم	خصوصیات افغان‌ها	۴۲
درس پانزدهم	شهید محمد هاشم میوندوال	۴۵
درس شانزدهم	ما چرا وطن خود افغانستان را دوست داریم؟	۴۸
درس هفدهم	آزادی، نعمت الهی و حق انسانی	۵۲
درس هجدهم	اخوت اسلامی، اساس وحدت ملی	۵۵
درس نوزدهم	قلب آسیا	۵۸
درس بیستم	یادی از شهید پوهاند استاد غلام محمد نیازی	۶۱
درس بیست و یکم	جهاد مردم افغانستان بر ضد تجاوز اتحاد شوروی	۶۵
درس بیست و دوم	دین اسلام اساس وحدت مسلمانان	۶۹
درس بیست و سوم	فیض محمد کاتب هزاره	۷۱
درس بیست و چهارم	صلح و بازسازی وطن	۷۴
درس بیست و پنجم	سهم‌گیری در آبادی کشور وجیهه دینی و ملی ما است	۷۷
درس بیست و ششم	حقوق و مسؤولیت‌های متقابل افراد جامعه	۸۰
درس بیست و هفتم	استقلال و آزادی	۸۴
درس بیست و هشتم	افغانستان مهد علم و تمدن	۸۶





ستایش خداوند متعال

خاک ضعیف از تو توانا شده
 ما به تو قایم چو تو قایم به ذات
 تو به کس و کس به تو مانند نی
 و آنکه نمرده ست و نمیرد تویی
 ملک تعالی و تقدس تو را
 هر چه نه یاد تو فراموش به
 چاشنی دل به زبان داده ای
 روز فرو رفته تو باز آوری
 در دو جهان خاک سرکوی تست
 گردنش از دام غم آزاد کن
 نظامی گنجوی

ای همه هستی ز تو پیدا شده
 زیر نشین علمت کاینات
 هستی تو صورت و پیوند نی
 آنچه تغیر نپذیرد تویی
 ما همه فانی و بقا بس تو را
 هر که نه گویا به تو خاموش به
 روشنی عقل به جان داده ای
 منزل شب را تو دراز آوری
 بنده نظامی که یکی گوی تست
 خاطرش از معرفت آباد کن



شرح

نظامی گنجوی که یکی از سخنوران نامور و شاعران بزرگ ادبیات زبان دری به شمار می‌رود، در ابیات بالا یکی از عمیق‌ترین و پرسوزترین ستایش‌ها و نیایش‌ها را به درگاه اقدس الهی سروده است. وی در بیت اول، آفریدگار جهان را مخاطب قرار داده، می‌گوید: همه مخلوقات به فرمان و قدرت لا یزالت لباس هستی پوشیدند و خاک ناچیز یعنی آدم از لطف و کرمت که در آن از روح خود دمیدی، توان پیدا کرد و متفکر و گویا شد. ورنه در اصل مشت خاکی بیش نبود.

در بیت دوم، می‌گوید: همه موجودات هستی در زیر پرچم تو می‌زیند و ما انسان‌ها که جزئی از مخلوقات می‌باشیم به وجود تو زنده و استوار هستیم و وجود همه ما به وجود تو نیازمند است؛ اما وجود تو به ذات خودت استوار بوده و به کسی و چیزی نیاز ندارد. در بیت سوم، می‌گوید: ذات تو از داشتن شکل و اعضا پاک است و با هیچ کس رابطه نسبی و خویشاوندی ندارد، هیچ کس مثل تو و تو مثل هیچ کس نیستی، یعنی بی‌مانند، بی‌همتا و یکتاستی.

در بیت چهارم، می‌گوید: تو هرگز دیگرگون نمی‌شوی و تغییر ناپذیر هستی و تو هرگز نمرده‌ای و نمی‌میری؛ بلکه زنده جاویدی.

در بیت پنجم، می‌گوید: ما و همه مخلوقات فانی می‌شویم و تنها ذاتی که پایدار، جاویدان و ماندنی است ذات اقدس تست، پادشاهی تو برتر و والا و مقدس و پاک است. در بیت ششم، می‌گوید: هر کسی که یاد تو و ذکر تو را بر لب ندارد، بهتر است که خاموش باشد و هر چه که ترا به یاد نیاورد، بهتر است که فراموش شود، یعنی یک انسان واقعی باید همواره در ذکر خدا باشد و به هر کاری که اقدام می‌کند باید با یاد خدا آن را آغاز کند، ورنه از مسیر حقیقی انسانیت که همانا بنده‌گی پروردگار است، منحرف شده است.

در بیت هفتم، می‌گوید: ای خداوند دانا و توانا! جان آدمی را با چراغ خرد، تو روشن کرده‌ای و سخن‌های شیرین و پر حکمتی را که از اعماق قلب بر می‌خیزد و گوش‌ها و جان‌ها را نوازش می‌دهد، تو به زبان آموختانده‌ای. در بیت هشتم، می‌گوید: آمدن شب در پی روز و روز در پی شب از نشانه‌های قدرت تست. موجودات در هنگام روز به جنب و جوش و حرکت می‌افتند و از سفره نعمت تو روزی می‌خورند و در هنگام شب که پر از رمز و راز است به خواب فرو می‌روند و آرام می‌گیرند.



در بیت نهم و دهم، شاعر بنده گی، خاکساری و نیاز خود را به درگاه بی نیاز الهی اعلام می کند و با زبان شاعرانه می گوید: ای پروردگار توانای مهربان بی نیاز! این بنده تو یعنی نظامی گنجوی که خود را خاک سرکوی تو می داند، همواره به یکتایی و وحدانیت تو گواهی می دهد، پس ای پروردگار عزیز بخشنده مهربان! خاطر این بنده خاکسار خود را با نور علم و دانش آباد کن. گردن او را از دام غم و اندوه برهان و قلبش را با لطف خویش شادمان نگه دار.



- ۱- شاگردان متن درس را به نوبت بخوانند.
- ۲- در مورد نشانه های قدرت خداوند ﷻ با همدیگر صحبت کنند.



- ۱- بیت های زیر را معنا نمایید:
- | | |
|---|---|
| <p>خاک ضعیف از تو توانا شده
ما به تو قایم چو تو قایم به ذات</p> | <p>ای همه هستی ز تو پیدا شده
زیر نشین علمت کاینات</p> |
| <p>تو به کس و کس به تو مانند نی</p> | <p>۲- مفهوم بیت زیر را بنویسید:
هستی تو صورت و پیوند نی</p> |



در باره فضیلت ذکر خدا، مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





اخلاق پیامبر اسلام ﷺ

اخلاق چیست؟ قبل از اسلام اخلاق مردم عرب و ملت‌های دیگر چگونه بود؟ پیامبر اسلام ﷺ اخلاق مردم را چگونه تغییر داد؟ اخلاق پیغمبر ﷺ چگونه بود؟ در این درس برخی از صفات اخلاقی پیامبر اسلام را مطالعه می‌کنیم تا با اخلاق پیامبر محبوب خود آشنا شویم و نقش قدم او را در زنده‌گی خود تعقیب نماییم.

تعریف اخلاق

اخلاق در لغت، خوی، خصلت و طبیعت را گویند و در اصطلاح، اخلاق عبارت از صفت و یا خصلت جا به جا شده در نفس است که انسان به واسطه آن به کارهای خوب و یا کارهای بد دست می‌زند.

پس اگر انسان دارای اخلاق خوب باشد، صفات خوب و کارهای شایسته از او سر می‌زند؛ مانند: راست گفتن، سلام دادن، ترحم داشتن، امانت‌دار بودن، کمک کردن و غیره؛ اما اگر یک شخص دارای اخلاق و طبیعت بد باشد، کارهای زشت و ناپسند از وی صادر می‌گردد؛ مانند: دروغ گفتن، دشنام دادن، دزدی کردن، خیانت کردن، ظلم کردن و امثال آن.



جایگاه اخلاق در اسلام

قبل از بعثت پیامبر ﷺ و ظهور دین اسلام، در میان اعراب و سایر ملت‌های روی زمین، اخلاق بد و نادرست رواج داشت و اخلاق خوب بسیار کم وجود داشت.

اما پیامبر بزرگوار اسلام که از جانب خداوند متعال برای نجات و رهنمایی بشریت فرستاده شده بود و قرآن کریم بر وی نازل گردید، همه صفات اخلاقی بد و نادرست را به صفات و ارزش‌های عالی اخلاقی نیکو و پسندیده مبدل ساخت و بشریت را از گمراهی و بدبختی به سوی سعادت و رستگاری دنیا و آخرت هدایت و رهنمایی کرد.

پیامبر اسلام ﷺ به همه انسان‌ها اعلام نمود که من برای پخش و نشر مکارم اخلاق مبعوث گردیده‌ام، چنانکه فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» یعنی: همانا من به خاطر این مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل سازم.

در این حدیث شریف پیامبر خدا مقصد اساسی بعثت و رسالت خود را تعلیم و تقویت اخلاق نیکو معرفی نموده است؛ پس اخلاق، رکن اساسی دین مقدس اسلام به شمار می‌رود؛ زیرا تعلیمات اسلام به صورت عموم شامل سه بخش است: عقاید، احکام و اخلاق. عقاید باورهای انسان را درست می‌کند، احکام کردار انسان را تنظیم می‌نماید و اخلاق طبیعت و سلوک انسان را آراسته می‌سازد.

چند نمونه از اخلاق پیغمبر ﷺ

• ام المؤمنین عائشه (رضی الله عنها) فرموده است: «اخلاق پیغمبر ﷺ قرآن کریم بود». به این معنا که زنده‌گی پیغمبر ﷺ تطبیق عملی احکام و تعلیمات والای قرآن کریم بود. پس هر مسلمانی که قرآن کریم را تلاوت نماید و آن را خوب بفهمد، می‌تواند اخلاق پیامبر گرامی اسلام را بهتر بشناسد و به آن عمل کند. در زیر طور مثال به چند نمونه از اخلاق پیامبر گرامی اسلام ﷺ اشاره می‌نمایم:

• پیغمبر ﷺ راستگوترین همه انسان‌ها بود؛ از دروغ بسیار نفرت داشت و همه را به راستگویی امر می‌کرد و می‌فرمود که مسلمان هرگز دروغ نمی‌گوید، چنانکه فرمود: «راستگویی نجات می‌دهد و دروغگویی هلاک می‌سازد».

• پیغمبر ﷺ با حیاترین انسان‌ها بود؛ مسلمانان را به رعایت حیا دستور می‌داد و از بی‌حیایی منع می‌کرد و می‌فرمود: «حیا جزء ایمان است».

• پیغمبر ﷺ امانت‌دارترین انسان‌ها بود و حتی در میان مشرکین و دشمنانش به «امین» مشهور بود؛ مسلمانان را به امانت‌داری توصیه می‌کرد و از خیانت برحذر می‌ساخت،



طوری که فرمود: «کسی که امانت دار نباشد، ایمان ندارد».

- پیغمبر ﷺ سخاوتمندترین انسان‌ها بود؛ هرچه در اختیار می‌داشت به دیگران کمک می‌کرد، چنانکه فرمود: «بهترین انسان‌ها کسانی اند که به دیگران کمک و نفع می‌رسانند».



شاگردان با رهنمایی معلم محترم، راجع به نمونه‌هایی از اخلاق دوره‌ی جاهلی که پیامبر اسلام ﷺ آن را تغییر داد ابراز نظر کنند.



- ۱- اخلاق را در لغت و در اصطلاح تعریف کنید.
- ۲- قبل از بعثت پیامبر گرامی اسلام وضعیت اخلاق در میان مردم عرب و دیگر ملت‌های روی زمین چگونه بود؟ با ذکر بعضی مثال‌ها توضیح دهید.
- ۳- مقام اخلاق را در رسالت پیغمبر ﷺ و در تعلیمات اسلام به صورت مختصر تشریح کنید.
- ۴- این قول ام‌المؤمنین عائشه رضی الله عنها که می‌گوید: «اخلاق پیغمبر ﷺ قرآن کریم بود.» چه مفهوم دارد و به چه دلالت می‌کند؟
- ۵- در باره‌ی صفات اخلاقی راستگویی، حیا، امانت‌داری و سخاوتمندی پیامبر ﷺ با استفاده از احادیث نبوی ذکر شده در درس استدلال کنید.



هر شاگرد راجع به صفت اخلاقی «امانت‌داری» پیامبر ﷺ یک مقاله‌ی کوتاه بنویسد.





قدمات تاریخی افغانستان

کشور عزیز ما در طول تاریخ چندین هزار ساله خویش همگام با تمدن جامعه بشری، تمدن آریانای کهن و تمدن با شکوه اسلامی را در خود پرورش داده و تجربه کرده است. افغانستان، در طول تاریخ فرازها و نشیب‌های زیادی را دیده است، گاهی دامنه حاکمیت سیاسی اش وسعت یافته و زمانی هم مورد هجوم و نفوذ قدرت‌های منطقه و جهان قرار گرفته، از نظر قلمرو جغرافیایی کوچک شده است. در این درس می‌کوشیم تا با افغانستان قبل از اسلام و بعد از اسلام به طور فشرده و مرحله وار آشنا شویم.

افغانستان قبل از اسلام

سرزمین آریانا که قسمتی از آن امروز افغانستان نامیده می‌شود و ما در آن زنده گی می‌کنیم، از جانب غرب به قسمت‌های شرقی دشت‌های ایران، از شرق به دریای سند، از شمال به وادی‌های شمالی دریای آمو و از جنوب به بحیره عرب منتهی می‌گردید. قبل از ورود و انتشار اسلام در وطن ما، سلسله‌ها و خاندان‌هایی؛ چون: پیشدادیان، کیانیان، خاندان اسپه، کوشانی‌ها و یفتلی‌ها حکومت داشتند. در فاصله میان خاندان اسپه تا کوشانی‌ها، هخامنشی‌ها و یونانی‌ها به کشور ما هجوم آوردند و آن را زیر سیطره خویش



قرار دادند، تا این که به سبب مبارزه مردم ما مضمحل گردیدند و کوشانی‌ها دوباره زمام امور کشور را بر عهده گرفتند. با ضعیف شدن کوشانی‌های بزرگ، یفتلی‌ها به قدرت رسیدند و در اخیر دوره یفتلی‌ها که کوشانی‌های کوچک هم به شکل محلی حکومت داشتند، کشور ما از طرف شرق، غرب و شمال توسط موریایی‌ها، ساسانی‌ها و اقوام ترک تبار مورد تهاجم قرار گرفت و در داخل، حاکمان محلی به ظلم و استبداد خود بالای مردم شدت بخشیدند، تا این که وطن ما در پرتگاه بدبختی و تاریکی سقوط کرد و مردم با فقر و تنگدستی شدید مواجه گردیدند، در این زمان بود که نور اسلام به سرزمین ما تابید.

افغانستان بعد از اسلام

با ورود و انتشار دین مقدس اسلام - در قرن هفتم میلادی - در کشور ما، تحول بزرگ در زنده گی مردم ما رونما گردید؛ زیرا اسلام به مردم ما هویت جدید اسلامی داد و وحدت و یگانه گی بخشید و دروازه‌های علوم را بر روی مردم ما گشود. بالمقابل افغان‌ها نیز از طریق ارائه خدمات علمی و فرهنگی و ایثارگری در راه انتشار اسلام، در رشد و انکشاف تمدن و فرهنگ اسلامی سهم فعال و خوبی گرفتند.

روی کار آمدن حکومت‌های مستقل اسلامی

با روی کار آمدن حکومت‌های مستقل اسلامی در افغانستان به ترتیب سلسله‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، غوریان و خوارزم شاهیان، با وجود شرایط ناگوار آن زمان، در بنای تمدن اسلامی هر کدام به نوبت خود سهم ارزشمندی گرفتند. در قرن ۱۳ میلادی با روی کار آمدن چنگیز و شکست آخرین پادشاه خوارزم شاهی و روی کار آمدن مغول‌ها وطن ما باز هم به هرج مرج، بی ثباتی و انحطاط مواجه شد تا اینکه نوبت به شاهرخ و سلطان حسین بایقرا که از نواده‌های امیر تیمور گورگانی بودند رسید.

در این عصر افغانستان دوباره به سوی ترقی و پیشرفت گام نهاد و فرهنگ و هنر توسعه یافت. با وفات سلطان حسین بایقرا، نفاق و خانه جنگی دامنگیر مردم افغانستان شد تا این که میرویس خان هوتکی با یک قیام مردمی دست صفوی‌ها را از افغانستان کوتاه ساخت. میرویس نیکه نه تنها کشور را از زیر سلطه صفویان نجات داد؛ بلکه مدت ۸ سال طور مستقل به حیث بزرگ قوم به خوبی وطن را اداره



نمود. با وفات میرویس نیکه نظامی که ایشان بنیانگذاری کرده بود به وسیله جانشینانش تعقیب نگردید و وطن دچار اضمحلال و فروپاشی گردید تا اینکه احمد شاه بابا در سال ۱۷۴۷م. در جرگه شیر سرخ، زمام امور را به دست گرفت و کشور به نام افغانستان مسمی گردید و سرحدات آن دوباره به تدبیر وی احیا شد. با وفات احمد شاه بابا و روی کار آمدن جانشینانش نه تنها آتش اختلافات داخلی زبانه کشید بلکه وطن به ضعف گرایید و از هر طرف مورد تهاجم اشغال‌گران قرار گرفت و قسمت‌هایی از پیکرش جدا ساخته شد.

استرداد استقلال کشور در زمان امان الله خان

پس از این که امان الله خان به قدرت رسید، اولین اقدام ایشان اعلان استقلال افغانستان از استعمار انگلیس بود و به اثر حمایت، مجاهدت و جانفشانی مردم در سال ۱۹۱۹م. / ۱۲۹۸ ه.ش. استقلال کشور دوباره حاصل و مردم ما صاحب سر نوشت خویش گردیدند و در راه رشد و ترقی گام نهادند؛ اما در اثر مداخلات بیرونی دوباره در وطن ما بی ثباتی و نا امنی به وجود آمد که سر انجام محمد ظاهر شاه به قدرت رسید. در دوره چهل ساله محمد ظاهر شاه گرچه اقدامات قابل توجهی در ساحات زراعتی، صنعتی، فرهنگی و اداری کشور صورت نگرفت؛ اما کشور در آرامش و استقلال زنده گی می کرد.

کودتای ۷ ثور و اثرات سوء آن

با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ ه.ش. زمینه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه در وطن مهیا گردید و سرزمین ما توسط اتحاد شوروی اشغال شد. مردم ما در یک رستاخیز همگانی علم جهاد را بر افراشتند و با قبول تلفات و خسارات هنگفت، شوروی‌ها را از خاک خود بیرون راندند؛ اما در اثر مداخلات خارجی و جنگ‌های داخلی، کشور ما سخت آسیب دید. به هر حال، از لابه لای اوراق تاریخ کشور این درس را می‌آموزیم که هر زمانی وطن مورد تجاوز قرار گرفته و آزادی کشور به مخاطره افتیده، همه افغان‌ها بدون در نظر داشت اختلافات سلیقه‌یی و قومی، متحدانه علیه تجاوز به مقابله پرداخته و به متجاوزین درس عبرت داده اند که مجاهدت و جان نثاری مردم ما، در سه نبرد افغان و انگلیس و هجوم روس‌ها در ۶ جدی ۱۳۵۸ ه.ش. گواه این مدعا ست. از این رو، بر ماست تا از این میراث گرانبها (وطن) که به قیمت خون اجداد و نیاکان به ما به امانت مانده نه تنها با پایمردی حفاظت و حراست نماییم؛ بلکه لازم است تا در ترقی و



انکشاف آن سهم فعال بگیریم تا کشور ما در قطار کشورهای پیشرفته و متمدن جهان قرار گیرد و مردم ما با سر بلندی زنده گی نمایند.



- شاگردان به گروه‌های پنج نفری تقسیم شده، هر گروه درباره مطالب زیر باهم بحث نمایند.
- افغانستان باستان کدام قسمت‌ها را شامل بود؟
- قبل از ورود اسلام به افغانستان کدام سلسله‌ها در افغانستان حکومت می‌کردند؟



- ۱- با ورود و انتشار اسلام در افغانستان چه تحول بزرگی به میان آمد؟
- ۲- سلسله‌هایی را که بعد از ورود اسلام به افغانستان روی کار آمدند فهرست نمایید.
- ۳- احمد شاه بابا در چه شرایطی زمام امور کشور را به دست گرفت؟ مختصراً توضیح دهید.



در مورد مزایای وحدت ملی، مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.



در وصف زیبایی‌های وطن

هوایت خوش و منظر ت دلستان
 سر الفت ما و خاک درت
 که داری به هر گل زمین لاله زار
 لقب یافت بلخ توام البلاد
 می علم و عرفان به جام هرات
 بود معدن لاجورد اندرو
 که تازه است از او مزرع کشتمند
 خجل ساوه را می کند از انار
 زخاکت پراکنده گی دور باد
 سپهر برین می شود فتنه ات
 جهان مست و شیدا ست چون بلبلت
 تزلزل به کاخ بلندت مباد
 عمارت فزاید به بنیاد تو
 قاری عبدالله رحمه الله

وطن ای نکو نامت افغانستان
 روان بخش دل هاست بوم و برت
 هوایت به هر طبع شد سازگار
 زبس دارد از گردش دهر یاد
 به عالم بلند است نام هرات
 بدخشانت از لعل شد سرخرو
 چه خوش فیض جاریست با هیرمند
 ثمر خیز از بس بود قندهار
 گرشک و فراه تو معمور باد
 سخن ساز کردم چو از غزنه ات
 زمین و فضای کابل پر گلت
 فلک در کمین گزندت مباد
 ز خدمتگزاری اولاد تو



توضیحات:

بوم: مأوی، زمین، سرزمین، شهر
بر: زمین خشک، بیابان، صحرا
گردش دهر: گذشت شب و روز
ام البلاد: مادر شهرها
سپهر برین: آسمان بلند، فلک
شیدا: دل داده
گزند: آسیب، ضرر



شاگردان با استفاده از متن درس در مورد مزایای تاریخی و زیبایی‌های طبیعی وطن عزیز ما به شکل گروهی با هم مباحثه نمایند.



- کلمات زیر را شرح کنید:
ام البلاد، عرفان، سپهر، گزند، تزلزل.
- این بیت را معنا کنید:
فلک در کمین گزندت مباد تزلزل به کاخ بلندت مباد
- خدمتگزاری به وطن چگونه سبب آبادی کشور می‌شود؟



شاگردان در مورد اهمیت تمدنی و تاریخی غزنی و اینکه چرا به حیث پایتخت فرهنگی جهان اسلام برگزیده شد مقاله‌یی بنویسند که از ده سطر کم نباشد.





وطن دوستی

وطن دوستی احساسی است که به طور فطری و ذاتی در نهاد هر انسانی وجود دارد. ما همان گونه که در آغوش مادر احساس آرامش می نماییم، در دامن پاک سرزمین خویش نیز می توانیم عین احساس را داشته باشیم. ما در هوای وطن نفس می کشیم، از آب و خاک آن بهره ور می گردیم و به کسب علم و دانش می پردازیم. وطن، منبع خاطرات ما و مرجع آرزوهای ما است.

وطن هویت ما را مشخص می کند و باعث عزت و کرامت ما می شود. کسی که وطن ندارد، خوار و ذلیل می گردد و در چشم دیگران محترم شمرده نمی شود. از این جهت است که هر کس وطن خود را دوست دارد. ما هم وطن خویش را از دل و جان دوست می داریم.

پیغمبر بزرگوار اسلام حضرت محمد ﷺ هم وطن خود را دوست می داشتند. زمانی که کفار عرصه زنده گی را در مکه برای آن حضرت تنگ کردند و ایشان مجبور به ترک آن دیار و هجرت به مدینه منوره گردیدند، حین خروج از مکه مکرمه، رو به آن شهر نموده، بادل پر از حسرت چنین گفتند: قسم به خدا که تو محبوبترین سرزمین های روی زمین هستی و اگر قومت مرا اخراج نمی کردند هرگز ترا ترک نمی گفتم و به جای دیگری نمی رفتم.



عبدالعلی مستغنی (رح) شاعر برجسته و خوش قریحه که جزء مفاخر ملی و فرهنگی کشور ما به حساب می‌رود، در اشعار بدیع و لطیف خود بهترین عواطف رقیق یک انسان شیفته وطن را به نمایش گذاشته است. بیایید با خواندن اشعار دلکش مستغنی عواطف و طندوستانه خود را صیقل بدهیم.

نی از گل و نی از چمن سرایم نی از سنبل و نی از سمن سرایم
هر گاه که من سخن سرایم اوصاف تو ای وطن! سرایم
ای هستی و ای وجودم از تو!
ای رشته تار و پودم از تو!
ای باغ و بهار و ای بهشتم! ای روز نخست سر نوشتم!
مهر تو به جان و دل سرشتم تخم عشقت به سینه کشتم
چشمم اول رخ تو دیده
گوشم سخن ترا شنیده
آن کس که نخواهد آبرویت آن دل که ندارد آرزویت
آن سرکه نگشت خاک کویت آن چشم که نیست محوریت
با محنت و غم قریب بادا!
از عیش تو بی نصیب بادا!
بدخواهت اگر نماید آهنگ سازیم جهان به دیده اش تنگ
کویم سرش چو مار بر سنگ سازیم زمین ز خون او، رنگ
با راحت و خواب و خور نسازیم
تا از وطنش بدر نسازیم

عبدالعلی مستغنی

شرح ابیات

شاعر، در دوبیت اول و دوم، می‌گوید: زمانی که من به عنوان یک شاعر باشعور بخواهم شعری بسرایم، اولین چیزی که در ذهنم برای این منظور، خطوط می‌کند، وطنم می‌باشد. از این جهت من در اوصاف چمن و گل‌های گوناگون؛ مانند: سنبل و سمن و غیره شعر نخواهم سرود؛ بلکه در ستایش و بیان خوبی‌های وطنم خواهم سرود. هدف شاعر این است که وطن نزد من از هر چمن زیبا و از هر گل زیبا، زیبا تر و قشنگ تر است. شاعر، پس از آن وطن را مخاطب قرار داده می‌افزاید که: وجود و هستی من و تار و پود زنده‌گی



من از تست؛ یعنی خداوند متعال مرا در دامان تو آفرید و ترا وسیله زنده گی و بالنده گی من قرار داد.

در بیت‌های چهارم، پنجم و ششم، شاعر، وطن را به باغ و بهار و بوستان تشبیه کرده، خاطر نشان می‌سازد که خداوند مهربان در روز اول، سرنوشت مرا چنین نوشته بود که در دامن تو به دنیا بیایم؛ از این جهت من عشق ترا در اعماق جان و دل خود، پرورانده ام و بذر محبت جوشان ترا در سینه ام کاشته ام؛ زیرا اولین بار پس از ولادت که چشمم را گشودم، رخ ترا دیدم و نخستین بار که گوشم به فعالیت آغاز کرد، صدای (آبشارها و پرنده های) ترا شنیدم.

در بیت‌های هفتم، هشتم و نهم، شاعر دست دعا بلند کرده، می‌گوید: هر کس که آبروی ترا نخواهد و هر کس که در قلمرو تو به عنوان یک هموطن زنده گی می‌کند؛ ولی در آرزوی رفعت و بلندی تو نیست و سر خود را فدای آزادی و آبادیت نمی‌کند و چشمش در برابر زیبایی هایت خیره نمی‌شود، قرین غم و محنت شده، از زنده گی در آغوش محروم گردد.

در بیت‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، شاعر به عنوان یک انسان آزاده و میهن دوست، به دشمنان وطن، هشدار می‌دهد و در خطاب به وطن می‌گوید: اگر دشمن بدخواهی، قصد حمله به خاک ترا نماید، ما چنان در برابرش ایستاده گی می‌کنیم تا مغلوبش کنیم و جهان را در نظرش تنگ و تاریک سازیم، ما سرش را همچون مار در سنگ می‌کوبیم و زمین را از خونس رنگین و سرخ می‌سازیم.

بلی، ما تا آن دشمن بدخواه، تجاوزگر و کینه توز را از خاک وطن بیرون نکنیم و دور نرانیم، هرگز آرام نخواهیم نشست و خواب و خوراک را بر خود حرام خواهیم کرد.



۱. شاگردان متن شعر را بخوانند و کلمات دشوار درس را بیرون نویس نموده، با همکاری استاد محترم معنا کنند.





۱. متن درس در برگرفته چی پیامی است؟
۲. چرا ما وطن خود را دوست داریم؟
۳. چگونه می توان برای وطن و مردم خود خدمت نمود؟



شاگردان با استفاده از پیام شعر، مطلبی بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.





استاد خلیل الله خلیلی

(۱۲۸۶-۱۳۶۶ هـ. ش.)

افغانستان زادگاه علما، غازیان، نویسندگان و شعرای نام آور است. این سرزمین در طول تاریخ همواره شخصیت‌هایی را در آغوش خود پرورانده که از جهات مختلف به جامعه و مردم کشور خویش مصدر خدمت گردیده‌اند. در این درس یکی از شخصیت‌های شهیر و شاعر نامدار کشور را معرفی می‌نماییم تا زنده‌گینامه او نمونه‌یی باشد برای آبادی و عمران کشور و انگیزه‌یی شود برای نسل‌های آینده تا در راه سربلندی وطن از آن استفاده نمایند.

استاد خلیل الله خلیلی فرزند مرحوم میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک منسوب به قوم صافی بوده و از رجال متنفد و نامدار عصر خویش به شمار می‌رفت. در سال ۱۲۸۶ هـ. ش. در باغ جهان آرای کابل چشم به جهان گشود. محمد حسین خان مستوفی الممالک از بزرگان منطقه کوهستان در شمال کابل و یکی از بارزترین رجال آن عصر شمرده می‌شد. خلیلی با مصائب و مشکلات روزگار دست و پنجه نرم کرد و به اثر استعداد ذاتی و



همت بلندش توانست از هر خرمنی خوشه از هنر و ادب فراهم آورد، ادبیات دری و علوم دیگر؛ از قبیل: منطق و تفسیر و حدیث را به نحو خجسته نزد اساتید زمان خود فراگرفت. شانزده ساله بود که در مکتب میریچه کوت به شغل معلمی پرداخت. به اثر لیاقت در وزارت مالیه به صفت منشی مخصوص و بعد به حیث مستوفی ولایت بلخ مقرر گردید و نیز برای مدتی به صفت حاکم مزار شریف اجرای وظیفه نمود. مدت سیزده سال در دفتر صدارت کار کرد. مدتی به صفت استاد پوهنتون و معاون پوهنتون ایفای وظیفه نمود و در سال ۱۳۳۰ ه. ش. در ریاست مستقل مطبوعات افغانستان و در سال ۱۳۳۲ ه. ش. به عنوان مشاور عالی سلطنتی در دربار محمد ظاهر شاه و وکیل در پارلمان خدمت کرد. در سال‌های نخستین دهه ۵۰ به عنوان سفیر کبیر مدتی در عربستان سعودی و سپس در عراق مشغول کار بود و درعین حال به حیث سفیر غیرمقیم در کشورهای سوریه، بحرین، کویت، اردن، قطر و ابوظبی ایفای وظیفه می‌نمود. او حایز نشان درجه اول معارف افغانستان به پاس خدماتش گردید. همچنان استاد نشان اکادمیک فرانسه را از طرف جنرال دوگول دریافت نمود و هم به حیث عضو نویسنده گان بین المللی کشورهای آسیایی و افریقایی و عضو افتخاری در اکادمی تاریخ افغانستان بود. اما، مهمتر از این‌ها، جایگاهی بود که او در علم و ادب کسب کرد و به زودی نامدارترین شاعر افغانستان شد.

دوران مهاجرت

پس از سرنگونی حکومت محمد داوود خان به دست کمونیست‌ها، استاد به اجبار، ترک وطن کرد و مدتی کوتاه در ایالات متحده امریکا به سر برد و به سبب عشق به وطن در آنجا طاقتم نمود و در سال‌های آخر عمر به پاکستان آمد و در کنار هزاران هزار هموطن آواره اش مسکن گزید و برای رهایی سرزمینش افغانستان تلاش کرد. در این دوره هم آثار زیادی از خود به جا گذاشت و در رساندن فریاد دادخواهی هم میهنان خویش به گوش جهانیان و نجات افغانستان از تهاجم بیگانه گان سهم فعال گرفت؛ بالاخره استاد بعد از هشتاد سال زنده گی به تاریخ چهاردهم ثور ۱۳۶۶ ه. ش. در یکی از شفاخانه‌های اسلام آباد پاکستان با قلب مملو از درد وطن این جهان فانی را وداع گفت، در میان آواره گان افغان در پشاور به خاک سپرده شد.



پس از بیست و پنج سال از وفات استاد، در جوزای سال ۱۳۹۰ هـ.ش. تابوت اش از پشاور به کابل انتقال داده شد و بر اساس تصمیم شورای وزیران افغانستان در محوطه پوهنتون کابل و در کنار آرامگاه سید جمال الدین افغان، طی مراسم رسمی به خاک سپرده شد.



شاگردان در گروه‌های مختلف در مورد زنده‌گی استاد خلیل الله خلیلی با هم صحبت نموده، نتیجه صحبت‌های خویش را توسط نماینده‌گان گروه خویش با سایر همصنفان در میان بگذارند.



- ۱- استاد خلیل الله خلیلی در کدام سال و در کجا تولد گردیده است؟
- ۲- کارهای مهم استاد خلیلی را نام بگیرید.
- ۳- در مورد احساس و طندوستی استاد خلیلی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.



شاگردان زنده‌گی‌نامه استاد خلیل الله خلیلی را بنویسند و در ضمن چند نمونه از اشعار و طندوستانه‌شان را از کتاب‌های درسی پیدا نموده، تحریر نمایند.



به پیشگاه وطن

آدمی فطرتاً وطن خود را دوست داشته قلباً به آن علاقه مند می‌باشد، از آبادی و ترقی آن خوشحال و از ویرانی و عقب مانده گی آن اندوهگین می‌گردد. وطن، همان جایی است که انسان در آن زاده می‌شود، نشو و نما می‌کند، از آب و هوا و خاک آن مستفید می‌گردد و شخصیت، خاطرات و آرمان‌هایش در آن شکل می‌گیرد. استاد خلیلی شاعر نامور، عواطف و تندوستانه و دل‌بسته گی عاشقانه خود را به میهنش به‌طور هنرمندانه به تصویر کشیده که خواندنی است. اینک ما و شما و مثنوی پر از مهر و عاطفه شاعر:

ای مهد جمال و معبد ذوق!
بر دیده چو تو تیا کشیده
مهر من و مهربان من تو
هر قطره چو بحر بی کرانی
صد بار از آن فزون تری تو
جز پای تو تکیه گاه من کو؟
بی عشق تو زنده گی حرامم

ای کعبه عشق و خانه شوق!
ای خاک درت فروغ دیده
ماه من و آسمان حسن من، تو
هر ذره تو مرا جهانی
چون مادر مهر پروری تو
جز کوی تو سر پناه من کو؟
بی نام تو محو باد نامم



از خاک تو گشته پرتو افشان
خار تو بهار کامرانی
ابر سیهت بود گهرساز
دشت و دمن تو جمله زرخیز
بخشنده عمر جاودانی
خاکت ز بهشت دیگران به
زان مظهر حسن و ذوق پیدا است
استاد خلیلی

این دیده که گوهری است رخشان
ای شام تو صبح زنده گانی
کھسار بلند تو فلک تاز
باد تو چومشک تر دلاویز
آب تو چو آب زنده گانی
خار تو ز گلشن جهان به
هر چیز که هست در تو، زیباست

توضیحات

شاعر در شعر فوق وطن و زادگاه خویش را ستایش نموده، وطن را به خانه عشق، محل پیدایش جمال و زیبایی تشبیه می کند، خاک آن را سرمه چشم دانسته، هر ذره آن را قطره بیکران بحر تصور می نماید و مهر آن را از مهر مادر بالاتر و والاتر می داند و آن را تکیه گاه مطمئن انسانها تلقی می کند.

از نظر شاعر، انسان بی وطن نام و نشان نداشته، زنده گی اش بی هویت و گمنام خواهد بود. وی کوه های بلند و ابرهای سیاه وطن را به گوهر قیمت بها تشبیه کرده، باد آن را به مثابه مشک و عطر خوشبو دانسته و آب آن را منبع زنده گانی می داند. خارهای آن را به مثابه گلشن فکر کرده و آن را همچون بهشت تصور می کند. خلاصه این که از نظر شاعر، هر چیزی که در وطن وجود دارد زیبا، دلربا و قشنگ است و در آن حسن و زیبایی جلوه گر می باشد.



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد وطن و گروه دیگر در مورد ارزش وطن باهم صحبت نمایند.





- ۱- مقصد و مرام شعر فوق را بنویسید.
- ۲- یک چهاربیتی راجع به وطن از کتاب‌ها انتخاب نموده، بنویسید.
- ۳- به وطن چرا کلمهٔ مادر خطاب می‌شود؟



شاگردان به کمک اولیا، شخصیت‌های فرهنگی و استادان خویش اشعاری در مورد وطن ترتیب و در صنف ارائه نمایند.



منافع ملی

منافع ملی چیست؟ منافع ملی چه نقشی در تقویت و بقای ملت‌ها می‌تواند داشته باشد؟ چرا ملت‌ها کوشش می‌کنند منافع ملی خویش را حفظ کنند؟ از دست دادن منافع ملی چه صدمه‌یی را بر پیکر ملت‌ها وارد می‌کند؟ در این درس، به سؤالات فوق، پاسخ داده می‌شود.

منافع ملی چیست؟

منافع ملی به منافع اطلاق می‌شود که با زنده‌گی و افتخارات باشنده‌گان یک سرزمین ارتباط مستقیم و ناگسستنی داشته باشد. دولت‌ها به نمایندگی از ملت‌های شان در ارتقا، بهبود و حفاظت آن سعی و تلاش نموده، برای تحقق آن در داخل و خارج از کشور تأکید و جد و جهد می‌نمایند.

جنبه‌های منافع ملی

منافع ملی عبارت از دین، ارزش‌های معنوی، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت، رفاه اقتصادی، قدرت، مقام، افتخارات ملی، تاریخ، فرهنگ و غیره می‌باشد.



اکنون می‌پردازیم به توضیح و شرح مختصر هر کدام از این‌ها:

۱- دین و معنویت: یکی از مهمترین جنبه‌های منافع ملی، دین و معنویت است. از آن جا که ارزش‌های دینی و معنوی، بنیاد و اساس سایر جنبه‌های زنده‌گی دینداران، به ویژه مسلمانان به شمار می‌رود حفظ این ارزش‌ها به عنوان اساسی‌ترین منفعت ملی، از جمله واجبات و ضروریات محسوب می‌گردد. راز موفقیت و قوت ما به عنوان یک ملت مسلمان، در قدم اول در حفظ باورها و ارزش‌های دینی و معنوی ما نهفته است؛ زیرا که دین و معنویت تکیه‌گاهی بوده که پدران و گذشته‌گان ما در روزهای سختی، همواره به آن پناه برده‌اند و به وسیله آن بر دشواری‌ها فایز آمده و وجود خود را به مثابه یک ملت زنده و پایدار در میان سایر ملت‌ها حفظ کرده‌اند.

۲- تمامیت ارضی: تمامیت ارضی، یعنی داشتن سرزمینی یکپارچه با مرزهای مشخص و تعیین شده. حفظ یکپارچه‌گی سرزمینی که یک ملت در آن زنده‌گی می‌کند و حفظ مرزهای مشخص آن، یکی از جنبه‌های مهم منافع ملی آن ملت به حساب می‌رود. بنا بر این لازم است که هم حکومت و هم ملت که احساس وطن‌دوستی دارند، دست به دست هم داده همه خواسته‌هایشان را در چوکات حفظ تمامیت ارضی وطن شان تنظیم نمایند و کاری نکنند که این سرمایه در خطر واقع شود.

۳- امنیت: جنبه دیگر منافع ملی در یک کشور، تأمین امنیت است. امنیت دو گونه است: یکی «امنیت عینی» و دیگری «امنیت ذهنی». امنیت عینی، عبارت است از مصون بودن یک کشور از جنگ داخلی و یا خارجی، شورش‌ها و درگیری‌های مسلحانه و بی‌ثباتی؛ اما امنیت ذهنی عبارت از این است که اتباع کشور از لحاظ ذهنی، احساس آرامش کنند و از ناحیه جنگ و ستم و سرکوب و همچنان از ناحیه گرسنه‌گی و قحطی تشویش و نگرانی نداشته باشند. این وظیفه حکومت‌ها است که امنیت را به‌طور عینی و ذهنی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و غیره تأمین نمایند، تا اتباع کشور بتوانند، در فضای امن و آرام زنده‌گی کنند و برای آینده خویش برنامه‌ریزی نمایند. خداوند متعال در قرآن کریم امنیت از ترس را در پهلوی امنیت از گرسنه‌گی قرار داده، هر دو را از نعمت‌های قابل سپاسگزاری دانسته است^(۱).

۱- ترجمه بخشی از سوره قریش.



۴- رفاه اقتصادی: بی‌شک تأمین رفاه اقتصادی و معیشتی یکی از خواسته‌های اساسی و مهم همه ملت‌ها و جزء منافع ملی آن‌هاست. مردمان ضعیف، گرسنه و بیکار قطعاً با تحقق منافع ملی شان فاصله دارند.

یکی از راه‌های رسیدن به رفاه اقتصادی، استخراج معادن و ثروت‌های طبیعی داخلی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌باشد.

کشور ما - الحمد لله - از نگاه ثروت‌های طبیعی و استعداد‌های بشری غنی می‌باشد. بر دولت است که با همکاری صمیمانه ملت، از این سرمایه‌های خدا داد استفاده بهتر نموده، مردم را از فقر و فلاکت بیرون کشیده، به یک زنده‌گی مرفه و خودکفا رهنمون گرداند.

۵- قدرتمند بودن: قدرت دولت‌ها، از موهبت‌های طبیعی و موفقیت‌های اکتسابی نشأت می‌کند. موهبت‌های طبیعی؛ مانند: قرار گرفتن کشور در منطقه خوب و مناسب از نگاه موقعیت جغرافیای سیاسی (جیوپولیتیک) و یا برخورداری از منابع طبیعی؛ همچون: نفت، گاز و غیره؛ اما موفقیت‌های اکتسابی؛ مانند: پیشرفت‌های علمی و تکنالوجی، قدرت نظامی و تسلیحاتی، کثرت نفوس، حضور مؤثر در محافل و مجامع بین‌المللی تأثیر گذار و غیره.

کشورهای مقتدر به کشورهایی گفته می‌شود که از توانایی دست‌یابی به اهداف شان، برخوردار اند و در مسائل منطقه‌یی و بین‌المللی دارای نفوذ و قدرت تأثیر گذاری می‌باشند.

۶- مقام یا پرستیژ: یکی از مهمترین جنبه‌های منافع ملی، داشتن مقام و منزلت و یا پرستیژ در عرصه‌های بین‌المللی است. به هر اندازه‌یی که یک دولت در نظام بین‌المللی مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرد و اسناد رسمی آن (همچون پاسپورت و اسناد پوهنتونی) مورد اعتبار می‌باشد، به همان پیمان، دارای منزلت و پرستیژ شناخته می‌شود. یک دولت با پرستیژ، در محافل بین‌المللی حضور فعال و تأثیر گذار دارد و در منازعات جهانی از وی به عنوان میانجی دعوت به عمل می‌آید.

۷- استقلال: داشتن استقلال نیز جزء منافع ملی به حساب می‌رود. استقلالیت؛ یعنی داشتن آزادی در انتخاب و تصمیم‌گیری. ملت مستقل، ملتی را می‌گویند که در انتخاب روش زنده‌گی و در انتخاب نوع حکومت و نظام سیاسی خویش از آزادی کامل برخوردار است و هیچ کس نمی‌تواند نظامی را به زور بر وی تحمیل کند. دولت مستقل، دولتی



را می‌گویند که در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود دارای آزادی و اراده مستقل می‌باشد و هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌هایش مداخله کند. مستقل بودن در حقیقت ثمره و نتیجه سایر جنبه‌هایی است که در باب منافع ملی در بالا توضیح داده شد.



معلم محترم در باره منافع ملی، با توجه به اصل شاگرد محوری، با شاگردان به گفتگو پردازد.



- ۱- منافع ملی را تعریف کنید.
- ۲- معنویت یکی از جنبه‌های منافع ملی است. این اصل را روشن سازید.
- ۳- انواع امنیت را بیان نموده نقش آن را در شگوفایی اقتصادی بیان کنید.
- ۴- رفاه اقتصادی چگونه می‌تواند جزء منافع ملی باشد؟
- ۵- قدرت دولت‌ها از کجا نشأت می‌کند؟ به گونه تفصیلی بیان دارید.



یک مقاله در باره منافع ملی بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.





قهرمانان ملی

افغانستان سرزمین قهرمان پرور است. آزادی، استقلال، افتخارات و حیثیت ملی ما مرهون مجاهدت‌ها و فداکاری‌های مردان و زنانی می‌باشد که در شرایط دشوار و اوضاع بحرانی سینه‌های خود را سپر کردند و کشور ما را از مشکلات نجات دادند، آنان قهرمانان تاریخ ما به حساب می‌روند.
در این درس با برخی از این قهرمانان آشنایی پیدا می‌کنیم.

قهرمان کیست و قهرمانی چیست؟

هر ملتی برای خود قهرمانانی دارد که به آن‌ها افتخار می‌کند و نام و خاطره آن‌ها را همواره گرامی می‌دارد. قهرمان معمولاً به اشخاصی گفته می‌شود که در شرایط دشوار و ناگوار در صحنه تبارز می‌کنند و خود را در میان امواج مشکلات و نابسامانی‌ها می‌اندازند و کشتی شکسته و توفان‌زده ملت خود را به ساحل پیروزی و بهروزی رهبری می‌کنند. در یک زمان ملتی مورد تاخت و تاز دشمنان قرار می‌گیرد و سرزمین و استقلال آن به اسارت می‌رود، کسانی که خطر را می‌پذیرند و در راه آزادی ملت‌ها کار و پیکار می‌کنند و سبب نجات و رهایی آن‌ها از اسارت می‌گردند، قهرمانان اند.

همچنان در شرایطی که یک ملت در گودال عقب‌مانده‌گی علمی، جهل و انحطاط اخلاقی سقوط می‌کند افرادی می‌آیند و با قبول هر نوع مشکلات، چراغ علم و دانش را روشن می‌کنند، به آگاهی و روشنگری می‌پردازند و افراد ملت را به توسعه علمی و کمال اخلاقی رهنمون می‌شوند؛ آن‌ها هم قهرمان اند.

به همین ترتیب اگر ملتی به فقر و درمانده‌گی و وابسته‌گی اقتصادی مبتلا می‌گردد و کسانی در راه بهبودی وضع ایشان زحمت می‌کشند و ملت را از حالت فلاکت بار بیرون نموده با هوشیاری و تدبیر سالم و ابتکارات جدید به رفاه اقتصادی و خود کفایی می‌رسانند، به آن‌ها هم قهرمان گفته می‌شود.

نقش قهرمانان ملی در آزادی و استقلال کشور

کشور ما افغانستان در نیمه اول قرن شانزده بعد از سقوط تیموریان هرات مورد تهاجم سه قوای اجنبی، صفوی‌های ایران، بابرهای هند و شیبانی‌های ماوراءالنهر قرار گرفت. مداخلات کشورهای مذکور تقریباً دوونیم قرن طول کشید تا این که حاجی میرویس خان نیکه در ۱۷۰۹ میلادی توانست بر متجاوزان فایق آید و حکومت مستقل ملی را در قندهار تشکیل نماید؛ اما حکومت مذکور بیش از سی سال دوام نکرد.

بعد از سقوط حکومت هوتکیان، افغانستان یک بار دیگر مورد تهاجم قوت‌های نادر افشار واقع شد؛ پس از قتل نادر افشار، احمدشاه با با در ۱۷۴۷ میلادی افغانستان را دوباره احیا کرد و یک امپراتوری قوی و محکم را ایجاد نمود، که از دریای آمو تا بحیره عرب و از سند تا مشهد وسعت داشت و بیشتر از نیم قرن دوام کرد؛ اما به اثر اختلافات نوه‌های احمدشاه بابا افغانستان ضعیف گشت و در سال ۱۸۳۹م. مورد تهاجم نیروهای انگلیس واقع گردید.

مردم افغانستان با داشتن احساس وطن‌دوستی و روحیه آزادی‌خواهی تحت قیادت رهبران و قهرمانان ملی دور هم جمع شدند و بیرون راندن انگلیس‌ها را یکی از وجایب دینی و ملی خویش دانستند. ایشان در سر تا سر کشور تحت رهبری سران و قهرمانانی؛ همچون: سردار وزیر محمد اکبرخان فرزند امیر دوست محمدخان، میر مسجدی خان کوه‌دامنی، نایب امین الله خان لوگری، عبدالله خان اچکزوی و غیره علم جهاد را برافراشته، علیه قوای متجاوز انگلیس به جهاد پرداختند. به این ترتیب تجاوز اول انگلیس با قتل مکناتن و صدها افسر و هزاران عسکر آن به همت مبارزان و مجاهدان افغان دفع گردید و انگلیس‌ها متحمل تلفات سنگین جانی و مالی شدند و حیثیت و پرستیژ شان به سطح جهان صدمه دید.



در ماه نومبر سال ۱۸۷۸ م. بار دوم انگلیس‌ها بر افغانستان تجاوز نموده، معاهده گندمک را بر امیر محمد یعقوب تحمیل کردند و کیوناری به صفت سفیر و نماینده با صلاحیت انگلیس داخل بالا حصار کابل شد. افغان‌ها همین که دست اجانب را در اداره کشور مشاهده نمودند بار دیگر به قیام و جهاد علیه انگلیس‌ها متوسل شدند، کیوناری را همراه افسران و عساکرش در بالا حصار کابل به قتل رسانیدند، تحت فرماندهی رهبران ملی و قومی؛ همچون: غازی محمد جان خان وردگ، ملا دین محمد مشک عالم، صاحب خان تره کی، سردار محمد ایوب خان پسر امیر شیرعلی خان، محمد عثمان خان صافی تگابی میریچه خان کوهدامنی، غلام حیدرخان چرخ، ملالی و غازی ادی، بسیج گردیده، در مناطق مختلف کشور علیه قوای انگلیس به حملات آغاز نمودند و در معرکه میوند قندهار، افغان‌ها بیشتر از ۱۲۰۰۰ عسکر انگلیس را به قتل رسانیدند و آن‌ها را مجبور به ترک افغانستان نمودند.

قابل تذکر است که در جهاد و مبارزه علیه انگلیس در پهلوی مردان، زنان افغان نیز سهم فعال و بارز داشتند؛ چنانکه تنها در تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان ۸۵۰ زن در جنگ‌های کابل در دامنه‌های کوه آسمایی شرکت ورزیدند، که ۸۳ تن آن‌ها به شهادت رسیدند؛ طوری که کارنامه غازی ادی در جنگ کابل و کارنامه ملالی در نبرد میوند، از خاطرات فراموش ناشدنی به حساب می‌رود.

حماسه قهرمانان ملی در جهاد دوران ساز مردم افغانستان بر ضد شوروی

در سال ۱۳۵۸ ه. ش. اتحاد شوروی که در آن زمان یکی از بزرگترین کشورهای جهان به حساب می‌رفت بر سرزمین ما حمله کرد و وطن ما را تحت اشغال خود در آورد. مردم مسلمان افغانستان با دست‌های خالی، ولی با قلب‌های آکنده از ایمان و توکل به خدا، برضد ارتش اتحاد شوروی که به نام اردوی سرخ نامیده می‌شد و از جمله قویترین اردوهای مسلح جهان محسوب می‌گردید، قیام کردند و پس از ده سال جهاد مسلحانه شوروی‌ها را ذلیل ساخته، از وطن خویش اخراج نمودند، مجاهدان افغان در این دوران یکی از پر شکوه‌ترین حماسه‌های تاریخ بشری در نبرد حق علیه باطل را رقم زدند.



فعالیت

شاگردان به چندین گروه تقسیم شوند. چند گروه راجع به عوامل مداخلات و تجاوزات انگلیس بر افغانستان و چند گروه دیگر در مورد نقش قهرمانان ملی در دفع این تجاوزات، بین خویش مباحثه نموده، نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

ارزیابی

- ۱- قهرمانان ملی در دفع تجاوزات اجانب چگونه می توانند نقش ایفا نمایند؟
- ۲- قهرمانان و مبارزان ملی جنگ اول افغان و انگلیس را فهرست نمایید.
- ۳- چند نفر از قهرمانان و مبارزان ملی جنگ دوم افغان و انگلیس را نام ببرید.
- ۴- غازی ادی و ملالی در کدام نبردها حماسه آفریدند؟

کارفانه‌گی

شاگردان به کمک والدین، استادان، شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته راجع به قهرمانان ملی مطالبی تهیه و آن‌ها را در صنف ارائه نمایند.





شهید محمد موسی شفیق

درس کنونی ما به معرفی یکی از شخصیت‌های بارز وطن عزیز اختصاص دارد. این شخصیت نامور، شهید محمد موسی شفیق است که خدمات ارزنده او برای افغانستان همیشه به یاد خواهد ماند.

شهید محمد موسی شفیق فرزند مولوی محمد ابراهیم کاموی در سال ۱۳۰۸ ه. ش. در شهر کابل چشم به دنیا گشود، تحصیلات ابتدایی را در منطقه آبایی خویش ولسوالی کامه ولایت ننگرهار و شهر کابل به پایان رساند و تحصیلات دوره ثانوی را در مدرسه نجم‌المدارس ولایت ننگرهار و دارالعلوم عربی کابل سپری کرد. موصوف پس از یک مدت مأموریت در دارالتحریر شاهی، غرض تحصیلات عالی به پوهنتون مشهور الازهر مصر رفت و از آنجا شهادتنامه لسانس و ماستری را به دست آورد و غرض تحصیلات بیشتر به ایالات متحده امریکا سفر کرد و از آنجا بار دیگر شهادتنامه ماستری را در رشته حقوق مقایسوی به دست آورد. شهید محمد موسی شفیق نخست در بخش تقنین وزارت عدلیه ایفای وظیفه کرد و سپس



به سمت معین آن وزارت ارتقا نمود.

تسويد بسیاری از قوانين و اصولنامه‌ها در عرصه‌های مختلف، از جمله کارهای مهم شهيد محمد موسی شفيق در وزارت عدليه به شمار می‌رود.

همچنان محمد موسی شفيق به حيث سفير افغانستان در جمهوريت عربی مصر ایفای وظیفه نموده است. گسترش روابط دوجانبه بين افغانستان و مصر از دست‌آوردهای ديگر شهيد محمد موسی شفيق است.

شفيق در اثر لياقت و پشت‌کار به حيث وزير خارجه افغانستان تقرر حاصل نمود و ديري نگذشت که در سال ۱۳۵۰ ه. ش. به حيث صدر اعظم افغانستان برگزيده شد. شفيق صدر اعظم جوان، پرکار و با کفایت بود، می‌خواست کشور عزيز ما ترقی و پيشرفت نماید.

شهيد محمد موسی شفيق برای مقابله با اثرات خشکسالی سال ۱۹۷۲ م. چاره معقول سنجيد و توانست کمک بانک جهانی را به دست بياورد.

از جمله کارنامه‌های دوران صدارت شهيد محمد موسی شفيق، ایجاد بانک انکشاف صنعتی و بعضی از پروژه‌های اقتصادی ديگر می‌باشد.

شهيد محمد موسی شفيق عالم، نویسنده، ادیب، حقوق‌دان، دیپلمات، سیاستمدار و دولتمرد پرکاری بود که علاوه از زبان‌های رسمی دری و پشتو بر زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی نیز تسلط داشت.

از اقدامات ديگر شهيد محمد موسی شفيق پخش آذان در وقت نماز از طریق رادیو افغانستان و توقف اذیت علما و دعوتگران مسلمان از طرف دستگاه‌های حکومتی بود که طرف استقبال مردم مسلمان کشور قرار گرفت.

شهيد محمد موسی شفيق در نتیجه کودتای نظامی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه. ش. از کار برکنار شد و پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ ه. ش. به زندان رفت و از طرف رژیم کمونستی مظلومانه به شهادت رسید.

ما به حيث فرزندان وطن‌دوست ملت مسلمان و قدر شناس افغانستان خدمات شخصیت‌های ملی و بزرگان خود را هرگز فراموش نکرده، کارهای نیک آنان را سرمشق زنده گی خود قرار می‌دهیم و برای آن‌ها دعای خیر می‌کنیم.





شاگردان در مورد کارنامه‌ها و خدمات شهید محمد موسی شفیق با هم مباحثه نمایند.



- ۱- شهید محمد موسی شفیق در کجا به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و ثانوی خود را در کجا به پایان رسانید؟
- ۲- مهمترین وظایف شهید محمد موسی شفیق را نام بگیرید.
- ۳- بعضی از کارنامه‌های مهم شهید محمد موسی شفیق را بیان نمایید.



در باره شخصیت و خدمات شهید محمد موسی شفیق مقاله‌یی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





حب وطن یک عاطفه غریزی است و بنابراین هر کس وطن خود را دوست دارد؛ اما حب وطن تنها در ادعا و شعار دادن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید هر کدام ما به ذره ذره خاک وطن عشق ورزیده، این عشق را عملاً در زنده‌گی روزانه خویش به اثبات برسانیم و در عمران و بازسازی کشور سهم فعال بگیریم. بر ما است که زخم‌های ملت درد کشیده خویش را با حفظ وحدت و یکپارچه‌گی بدون در نظر داشت، قوم، رنگ، نژاد و زبان مرهم بگذاریم و التیام بخشیم، که این کار با کسب دانش و با بلند بردن سویه علمی ما ممکن است.

بزرگان و دانشمندان وطن ما در گذشته این فداکاری را نموده‌اند. برخی از ایشان توسط گفتار و اشعار خویش ما را به پاسداری از وطن تشویق کرده‌اند، پارچه شعر ذیل یکی از نمونه‌های آن می‌باشد.

خاک وطن

همان بهشت که گویند زهت آباد است
به چشم اهل نظر خاک پاک اجداد است



وطن چه روضه فرحت فزاست نام خدا
کزین فضای دلاویز خاطر م شاد است
هر آن که حرمت مام وطن نگهدارد
به پیش اهل نظر بهترین اولاد است
به زیر بار غلامی کس مرو زنهار
که این حدیث ز آزاده گان مرا یاد است
ز برگریزان خزان و فسردن ایمن
در این چمن چو همی سرو هر که آزاد است
همین ترانه ز آزاده گان رسد در گوش
که آبروی اسیران مدام بر باد است
هزار خسرو و پرویز گشت خاک هنوز
ز فیض کوهکنی زنده نام فرهاد است
به سرهوای وطن خوش بود که حب وطن
به هر که داد خدا دولت خدا داد است
کنون که غیر نبسته است دست و پای ترا
مدد رسان وطن باش وقت امداد است

مرحوم ملک الشعرا قاری عبدالله

معانی برخی از کلمات

- نزهت: پاک، پاکیزه گی، خرمی
- اجداد: نیاکان، پدران
- حدیث: سخن، کلام
- ایمن: محفوظ، مصون، در امان
- زنهار: خبردار، هشدار
- اسیر: غلام
- مام وطن: منظور از مادر وطن است؛ زیرا وطن نیز افراد خود را مثل مادر در دامان پاک خود می پروراند.



معرفی مختصر شاعر:

قاری عبدالله در سال ۱۸۷۱م. در کابل به دنیا آمد و در سال ۱۹۴۴م. وفات کرد. وی تحصیلاتش را به طور خصوصی به پایان رسانیده، در لیسه حبیبیه تدریس کرد و عضویت انجمن ادبی افغانستان را داشت. قاری عبدالله سخنور بزرگ و شاعر خوش قریحه و ظریف بود. از همین جهت در سال ۱۹۳۶م. به عنوان ملک الشعراء دربار شاهی شناخته شد.



شاگردان به چند گروه تقسیم شده، در مورد پیام‌هایی که در شعر خاک وطن وجود دارد با هم به بحث و گفتگو پردازند و نتیجه آن را هر گروه توسط نماینده خود بیان دارد.



- ۱- مفهوم شعر خاک وطن را به زبان خود بیان کنید.
- ۲- قاری عبدالله شعر خاک وطن را به کدام منظور سروده است؟
- ۳- وطن بالای اتباع خویش چه حق دارد؟



در روشنایی شعر درس، یک مطلب بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





وحدت و همبسته‌گی افغان‌ها در دفاع از وطن

چرا سرزمین افغانستان در دوره‌های مختلف تاریخ مورد تجاوز و لشکرکشی قرار گرفته است؟ مردم این سرزمین در برابر متجاوزان خارجی چگونه برخورد نموده اند؟ چه چیزهایی سبب وحدت و یکپارچه‌گی و پیروزی مردم افغانستان در برابر متجاوزان بوده است؟

در این درس پاسخ این سؤال‌ها را مطالعه نموده، راجع به فداکاری‌ها و قهرمانی‌های نیاکان خود برای دفاع از سرزمین محبوب ما معلومات بیشتر حاصل خواهیم نمود.

سرزمین افغانستان یکی از قدیم‌ترین گهواره‌های تمدن بشری در تاریخ جهان است. این سرزمین با داشتن موقعیت مهم جغرافیایی و سوق الجیشی در ادوار مختلف تاریخ همواره مورد تجاوز و لشکرکشی‌های جهان‌گشایان، قدرت‌های بزرگ و همسایه‌گان قرار گرفته است.

مردم این سرزمین با داشتن اقوام و قبایل مختلف، فرهنگ، زبان و کلتور متنوع و رسم و رواج‌های گوناگون همیشه در مقابل جهان‌گشایان و اشغالگران متحد گردیده سخت‌ترین



ضربه را بر دشمنان وطن وارد ساخته اند.

مردم سرزمین ما در قرن چهارم قبل از میلاد در برابر لشکر اسکندر مقدونی با وحدت و یکپارچه گی از سرزمین خود دفاع نمودند و کوبنده ترین ضربه را بر لشکر مهاجم و شکست ناپذیر اسکندر وارد کردند.

طی قرن های نهم و بیستم میلادی امپراتوری استعماری بریتانیا سرزمین ما را مورد تاخت و تاز خود قرار داد؛ اما در چندین مرحله لشکر مهاجم بریتانیا توسط جهاد وفداکاری فرزندان مؤمن و با شهامت این سرزمین با شکست های ذلت باری مواجه گردید که تاریخ جنگ های معروف و مشهور افغان و انگلیس شاهد زنده وحدت و همبسته گی، فداکاری و قهرمانی مردم افغانستان است.

افغانستان اولین کشوری است که استقلال خود را از استعمار انگلیس به دست آورد و نمونه استقلال طلبی کشورهای زیر استعمار در منطقه و جهان گردید.

در نیمه اخیر قرن بیستم میلادی، ابر قدرت جهانی اتحاد جماهیر شوروی در اوج قدرت نظامی خود به افغانستان تجاوز کرد و با صدها هزار نیروی مسلح و تجهیزات نظامی پیشرفته از هوا و زمین کشور ما را به اشغال خود در آورد.

ملت مسلمان و با شهامت افغانستان در سرتاسر این سرزمین در برابر تجاوز ارتش سرخ شوروی به پا خاست و با دست خالی؛ ولی با ایمان راسخ و همبسته گی همه افراد و اقشار این سرزمین به جهاد خود ادامه داد، تا این که با تقدیم بیش از یک و نیم میلیون شهید، میلیون ها مهاجر و آواره، صدها هزار معیوب و معلول و بیوه و یتیم، سرانجام ارتش تجاوزگر شوروی را از کشور خود بیرون راندند و آزادی خود را به دست آوردند.

رمز پیروزی افغان ها در برابر متجاوزان

همه می دانیم که مردم افغانستان در دوره های مختلف هنگامی که مورد تجاوز قرار گرفته اند با وجودی که قوت شان از لحاظ نظامی با قدرتهای تجاوزگر قابل مقایسه نبوده، دشمنان خود را شکست داده اند، پس چه چیزی عامل پیروزی این ملت در برابر بزرگترین قدرتهای جهان گردیده است؟

جواب این سؤال مهم در یک کلمه نهفته است که ملت افغانستان فقط با نیروی ایمان، حب وطن و ایثار گری به این هدف عالی نایل آمده است.





شاگردان راجع به وحدت و همبسته‌گی مردم افغانستان در برابر تجاوز انگلیس‌ها و تجاوز اتحاد شوروی سابق و این‌که سرنوشت ابر قدرت اتحاد شوروی در نتیجه تجاوز به افغانستان به کجا کشید، ابراز نظر کنند.

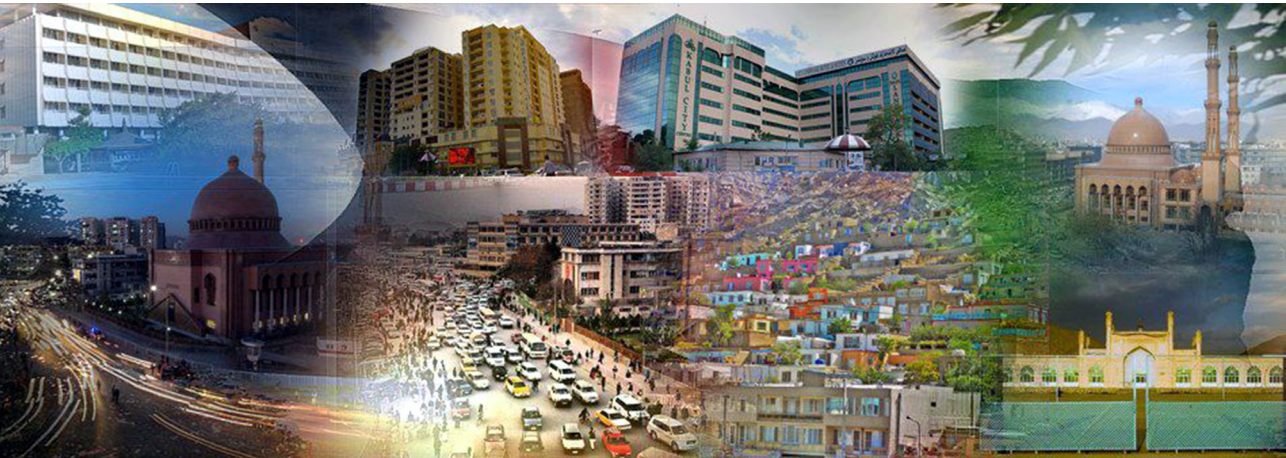


- ۱- چرا سرزمین افغانستان در ادوار مختلف تاریخ مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته است؟
- ۲- برخورد مردم افغانستان در برابر جهان‌گشایان و متجاوزان چگونه بوده؟ آیا به قدرتهای بزرگ سر خم کرده و در برابر متجاوزان تسلیم شده‌اند؟
- ۳- در قرن چهارم قبل از میلاد سرزمین ما توسط کدام قدرت جهانی مورد تجاوز قرار گرفت و عکس‌العمل افغان‌ها در برابر این تجاوز چگونه بود؟
- ۴- جهاد و مقابله مردم افغانستان در برابر استعمار انگلیس چه اثراتی را بر منطقه و جهان به جا گذاشت؟
- ۵- در نیمه اخیر قرن بیستم میلادی سرزمین ما از جانب کدام ابر قدرت جهانی اشغال گردید و سرنوشت این ابر قدرت متجاوز در نتیجه لشکرکشی و تجاوز به افغانستان چه شد؟



رمز پیروزی مردم افغانستان در برابر تجاوزات خارجی و جهان‌گشایان چه بوده؟ در این مورد یک مقاله بنویسید.





عمران وطن

وطن عزیز ما افغانستان است، کوه‌های سر به فلک، وادی‌های زیبا، دریاها، کاریزها و چشمه‌های طبیعی به زیبایی آن افزوده است. چهار فصل آن (بهار، تابستان، خزان، زمستان) نمودهای دیگری است که جلوه‌ها و نشانه‌های قدرت خداوندی را به نمایش می‌گذارد. هر بیننده‌ی که آبدوها و یادگارهای تاریخی وطن عزیز ما را می‌بیند به عظمت، شہامت و کاردانی نیاکان و فرزندان این سرزمین اعتراف می‌نماید. تبارز شہامت، غیرت، وطندوستی و جهاد بر حق فرزندان این سرزمین در سه دهه‌ی اخیر و دفاع بی‌باکانه از میهن عزیز خویش افتخار دیگری است که تاریخ افغانستان به خط زرین در اوراق خود ثبت کرده است. بر همه‌ی ما اعم از زن و مرد، پیر و جوان لازم است تا از یک طرف برای ترقی و تعالی وطن خود کمر همت بسته و از طرف دیگر مانند گذشته در حفظ و نگهداشت این سرزمین پرافتخار از هیچ نوع فداکاری و ایثار دریغ ننماییم. شاعران کشور، اشعار زیبایی در ستایش میهن و بیان افتخارات ملت ما سروده‌اند، شعر زیر یکی از این سروده‌های زیباست:



ای عزیزم! جهد فرما بهر عمران وطن
چون نیاکان در فداکاری ز روی اتحاد
در خبر حب الوطن از شاخه ایمان بود
عصر سعی و کوشش است ای اهل عرفان! همتی
از هنرمندی جهان، با نظم و سامان گشته است
جسم بیجان است آن قومی که صنعت پیشه نیست
روح ملت گر ز درد احتیاج افسرده است
آن زمان اهل وطن یابد نجات از احتیاج
«بهره» بهر حفظ ناموس وطن مردانه وار

تا افزون گردد ازین ره عزت و شأن وطن
همت و غیرت نمایید ای جوانان وطن!
از صمیم قلب باشید دوستداران وطن
در وطن خدمت کنید ای نونهالان وطن!
ما چرا غافل ز فکر نظم و سامان وطن
در حقیقت صنعت و دانش بود جان وطن
جز دواى علم و صنعت نیست درمان وطن
گر بریزد گوهر صنعت به دامان وطن
مال و جان را دار همه یکسر به قربان وطن
بهره



شاگردان به دو دسته تقسیم شده، با هم در مورد اهمیت علم، صنعت و زراعت در پیشرفت و آبادی کشور صحبت نمایند.



۱- این بیت را شرح کنید:

«از هنرمندی جهان با نظم و سامان گشته است

ما چرا غافل ز فکر نظم و سامان وطن»

۲- چرا شاعر، ملت بی علم و صنعت را جسم بی جان خوانده است؟

۳- چگونه می توان ملت خود را از احتیاج به دیگران نجات بدهیم؟



شاگردان شعر درس را به نثر تبدیل نموده، در کتابچه‌های خویش بنویسند.





خصوصیات افغان‌ها

شاگردان عزیز! الله متعال برای ملت‌ها برخی از خصلت‌ها و عاداتی را ارزانی می‌فرماید که در سایر ملت‌ها آن قدر به گونه آشکار و روشن مشاهده نمی‌گردد و آن اوصاف و عادات از خصوصیات ایشان پنداشته می‌شود، افغان‌ها نیز با داشتن برخی از صفات و خصلت‌های نیک، در طول تاریخ درخشیده و کارهای افتخارآفرین را انجام داده‌اند. این افتخارات کدام‌ها اند و کدام خصوصیات مهم است که ملت افغان را نامور ساخته است؟ در این درس به این پرسش‌ها جواب ارائه خواهد شد.

الله تعالی به مردم افغانستان خصوصیات را بخشیده است که به اثر آن ملت افغانستان در طول تاریخ ملت نامور بوده، با سربلندی زیست نموده، به سطح جهان کارهای بزرگی را انجام داده، در سخت‌ترین شرایط استقلال خود را حفظ نموده و به خاطر مردم خویش کارهای مفیدی را انجام داده است، دانشمندان جهان، افغانستان را قلب آسیا نامیده‌اند. با رسیدن دین مقدس اسلام به این سرزمین، مردم افغانستان آن را از صمیم قلب پذیرفتند

و در پخش آن به سوی شرق و شمال سهم فعال ایفا نمودند. افغانها انگلیسها را هنگامی با شکست مواجه ساختند که امپراتوری ایشان در شرق و غرب ریشه دوانیده بود و به اصطلاح آفتاب در قلمرو شان غروب نمی کرد و اردوی آنها در آن وقت از مجهزترین افواج به شمار می رفت. همچنان افغانها قشون سرخ شوروی را در حالی شکست دادند که در اوایل جهاد، موفقیت ملت افغان بر مقیاس حسابهای مادی محال به نظر می رسید. مردم افغانستان دارای رواجها و خصوصیات متعددی هستند که برخی از آن قرار ذیل است:

دینداری: مردم افغانستان مسلمان اند، به پیروی از دین مقدس اسلام فخر دارند، علما، دعوت گران و اشخاص متدین را محترم می شمارند و از مردمان بی دین نفرت می کنند.

جد و جهاد: افغانها مردم زحمت کش بوده، مشکلات و تکالیف را متحمل می شوند و در انجام امور و کارهای مشکل از صبر و حوصله کار می گیرند. همین خصلت به ایشان توانمندی می دهد تا موقف مردانه گی را نگهداشته، به زور و تعدی سر تسلیم فرود نیاورند.

دلسوزی و انصاف: افغانها در مقابل زورمندان به مثابه کوه موقف گرفته و ایستاده گی می نمایند، همچنان ظلم و تجاوز را بر مردم ضعیف عیب می پندارند و دلسوزی و همکاری با مظلوم را کار با افتخار می شمارند.

امانت داری و وفا: افغانها امانتداری را خصلت خوب می دانند، وفا به وعده را کمال مردانه گی می پندارند، خیانت در امانت و تخلف از وعده را کار زشت و ناپسند می شمارند.

ایثار و فداکاری: گذشت از منافع شخصی در مقابل منافع دیگران و ایثار و قربانی دادن به خاطر آنها را فداکاری گویند، به اثر این خصلت، اتحاد و یگانه گی بین جوامع بشری تکمیل و جامعه به سوی نیکبختی سوق می گردد، ایثار و فداکاری در فرهنگ افغانی یک



خصلت مهم و پسندیده می باشد. در پهلوی خصلت های فوق، اخلاق نیکوی دیگری؛ مانند: احترام به زنان، مهمان نوازی، حیا و ناموس داری نیز از خصوصیات افغان ها محسوب می گردد. ما نسل امروزی و آینده افغانستان وظیفه داریم تا خصلت های خوب را در خود پیروانیم و از خصلت های زشت دوری نماییم.



شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و در پهلوی خصوصیات متذکره سایر خصلت های خوب افغان ها را لست نموده، با دیگران شریک سازند.



- ۱- افغان ها در طول تاریخ مردم باشهامت بوده اند، برای ثبوت این مدعا دو نمونه را منحصیث دلیل ارائه نمایید.
- ۲- نمونه هایی از دینداری، امانت داری و وفای افغان ها را بیان نمایید.
- ۳- موجودیت خصلت تحمل در یک ملت، کدام خوبی ها را به وجود می آورد؟
- ۴- دلسوزی، ایثار و قربانی چگونه اوصافی اند؟



در مورد ضررهای جنگ و اختلافات ذات البینی یک مقاله تحریر دارید که از ده سطر کم نباشد.





شهید محمد هاشم میوندوال

شاگردان عزیز!

در این درس با شخصیت و خدمات شهید محمد هاشم میوندوال یکی از چهره‌های بارز سیاسی و فرهنگی کشور عزیز خود آشنا می‌شویم.

محمد هاشم میوندوال فرزند ملا عبدالحلیم در سال ۱۲۹۸ ه. ش. در شهر کابل به دنیا آمد، پدر وی اصلاً از ولسوالی مقر ولایت غزنی بود. میوندوال تحصیلات خویش را در لیسه‌های غازی و حبیبیه شهر کابل تکمیل کرد و در اثر استعداد سرشار به کار در عرصه مطبوعات و ژورنالیزم پرداخت. موصوف به حیث مدیر روزنامه انیس، مدیر روزنامه اتفاق اسلام در هرات، مدیر دایرةالمعارف و سپس به حیث رئیس مستقل مطبوعات انجام وظیفه کرد. پشت کار و جدیت میوندوال سبب شد تا موصوف به حیث معین سیاسی وزارت امور خارجه و سپس به حیث سفیر افغانستان در پاکستان و ایالات متحده امریکا ایفای وظیفه

کند.

میوندوال در عرصه مطبوعات و دیپلماسی خوب درخشید و در حکومت وقت به حیث وزیر مطبوعات برگزیده شد.

دیری نگذشت که میوندوال به حیث صدر اعظم افغانستان نامزد گردیده و از ولسی جرگه رأی اعتماد به دست آورد، حکومت شهید میوندوال تقریباً مدت دو سال ادامه یافت.

ترقی و پیشرفت همه جانبه افغانستان به خصوص در عرصه های معارف، تحصیلات عالی و صنعت و زراعت محور برنامه ها و کوشش های شهید محمد هاشم میوندوال بود.

میوندوال می خواست تا افغانستان به حیث یک کشور آزاد و مستقل روابط خوب با کشورهای همسایه و جهان داشته باشد، از همین رو کوشید تا روابط دیپلماتیک افغانستان با جهان توسعه یابد.

شهید میوندوال از توسعه طلبی کمونیزم به رهبری اتحاد شوروی وقت و نیت شوم آن کشور در مورد افغانستان نگران بود و تلاش می ورزید تا از نفوذ غیر مشروع اتحاد شوروی در افغانستان و نشر افکار کمونیستی در کشور جلوگیری شود.

میوندوال با وجود مصروفیت های رسمی سروکارش را با قلم و نویسنده گی ادامه داده و به امور فرهنگی توجه خاصی داشت.

مرحوم محمد هاشم میوندوال خواهان برقراری عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و عقب مانده گی از کشور بود و در این راه تلاش و مبارزه فراوان کرد.

شهید میوندوال وصیت کرده بود که دارایی شخصی او به شمول خانه شخصی اش پس از وفات او به بیت المال سپرده شود.

جریان های کمونیستی طرفدار شوروی در افغانستان محمد هاشم میوندوال را یکی از موانع عمده در مقابل نفوذ روز افزون افکار کمونیستی در افغانستان می پنداشتند، از همین سبب، پس از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه. ش. با طرح توطئه او را به زندان انداخته و پس از مدت کوتاهی مظلومانه به شهادت رساندند.

ما وطن خود را دوست داریم و به شخصیت های وطن دوست و خدمتگزار افغانستان ارج گذاشته در حق شان دعا می کنیم.

محمد هاشم میوندوال پس از شهید استاد منہاج الدین گهپخ اولین شخصیت بارز افغانستان بود که توسط کمونیست ها به شهادت رسید.

ملت افغانستان خدمات شهید محمد هاشم میوندوال را به خاطر ترقی و تعالی وطن عزیز همیشه به یاد خواهد داشت.



فعالیت

شاگردان صنف به دو دسته تقسیم شوند، دسته اول در مورد فعالیت‌های فرهنگی شهید محمد هاشم میوندوال و دسته دوم در مورد خدمات سیاسی وی با هم گفتگو نموده و نتیجه مناقشه را با همصنفان خویش در میان بگذارند.

ارزیابی

- ۱- محمد هاشم میوندوال کی بود و در کجا به دنیا آمد؟
- ۲- مهمترین وظایف شهید میوندوال را نام بگیرید.
- ۳- شهید میوندوال برای ترقی افغانستان چه خدماتی را انجام داد؟

کارخانه‌گی

شاگردان در مورد کارنامه‌های شهید میوندوال از بزرگان معلومات به دست آورده و آن را در صنف بیان نمایند.



ما چرا وطن خود (افغانستان) را دوست داریم؟

ما چرا وطن خود را دوست داریم؟ به خاطر چه ما همیشه در فکر پیشرفت و شکوفایی میهن خود می‌باشیم؟ چرا وطندوستی نشانه وفاداری و جوانمردی به شمار می‌رود؟ در این درس به موضوعات یاد شده می‌پردازیم.

گنجینه‌های مادی و معنوی افغانستان

ما باید سپاسگزار و ممنون خداوند مهربان باشیم؛ زیرا که او از روی لطف و مهربانی بی پایان خویش ما را از نیستی به جهان هستی آورد، از نعمت حیات و زنده‌گی بهره مند ساخت، در یک سرزمین اسلامی به نام افغانستان، خلق کرد و به آیین انسان ساز اسلام هدایت فرمود.

وطن ما افغانستان، از نگاه طبیعی، یکی از زیباترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. این کشور با کوه‌های شامخ و قله‌های پرشکوه، دریا‌های خروشان، دره‌های سرسبز، جلگه‌های شاداب و دشت‌های هموار خویش، چشم هر بیننده‌یی را نوازش می‌دهد و قلبش را به تپش می‌آورد.

همچنان وطن ما از نگاه ثروت‌های زیرزمینی، یکی از غنی‌ترین کشورهای منطقه بوده، سنگ‌های پر بهایش شهرت جهانی دارد؛ چنانکه لعل بدخشانش ضرب المثل خاص و عام است. خاک افغانستان حاصل خیز و برای زراعت و تربیت حیوانات و دامداری مهیا می‌باشد. هوای افغانستان جان پرور، آبش گوارا، گیاهانش مفید و معطر و میوه‌هایش لذیذ و خوشمزه می‌باشد.

افغانستان، به خاطر داشتن آب و هوای مساعد و داشتن مردمان با هوش و سخت‌کوش، از قدیم‌ترین زمانه‌ها گهواره تمدن‌های گوناگون بوده است؛ چنانکه «بلخ» آن از جمله کهن‌ترین شهرهای تاریخ به شمار می‌رود.

سرزمین ما افغانستان، دانشمندان و نوابغی را در دامن خویش پرورانیده که کتاب‌ها، آثار و افکار آن‌ها در علوم و فنون مختلف، جزو افتخارات فرهنگ بشری و اسلامی به حساب می‌رود. دانشمندی؛ همچون: امام اعظم ابو حنیفه، محدث و عارف بزرگ خواجه عبدالله انصاری، مغز متفکر امام ابو حامد غزالی، عالم نامور دوران ابو ریحان البیرونی، فیلسوف و طیب نابغه ابو علی سینای بلخی، عارف بزرگ سنایی غزنوی، شاعر نام‌آور جلال‌الدین محمد بلخی، عالم و مبارز بزرگ پیر روشن، صوفی بزرگ رحمان بابا، مرد شمشیر و قلم خوشحال خان ختک، عالم بزرگ دین میا فقرالله جلال آبادی و بالاخره بیدارگر شرق علامه سید جمال‌الدین افغانی همه از سرزمین ما به پا خاسته‌اند.

ما افغانستان را دوست داریم

مردم افغانستان، مردم خداپرست، دیندار، آزادی خواه، استقلال طلب و به شدت وطن‌دوست می‌باشند. این مردم به خاطر داشتن همین صفات نیک، هرگاه کشورشان مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته یا با خطر مواجه گردیده، به صورت متحد و یکپارچه از آن به دفاع برخاسته‌اند؛ طوری که در اوایل قرن بیستم میلادی، امپراتوری انگلیس و در اواخر آن امپراتوری اتحاد شوروی را که برای اشغال وطن و پامال کردن افتخارات دینی و ملی ما هجوم آورده بودند، به شکست وا داشته، آن‌ها را از خاک خویش بیرون راندند.

وطن ما افغانستان به خاطر داشتن همین برازنده‌گی‌ها، در تاریخ جهان به عنوان گورستان کشورگشایان شهرت یافته است؛ همچنان کشور ما با القابی؛ همچون: بام دنیا و قلب آسیا، مفتخر می‌باشد.

از همین جهت است که ما وطن خود افغانستان را دوست داریم و برای دفاع از حریم آن آماده هر نوع قربانی و فداکاری می‌باشیم. ما با داشتن میهن اسلامی و مردم متدین، فداکار



و با استعداد، افتخار می‌کنیم. ما درس‌های خود را خوب می‌خوانیم و زحمت می‌کشیم تا به عناصر تعلیم یافته مبدل شده و برای آبادی و پیشرفت وطن خود کار کنیم. وطن‌دوستی نشانه وفاداری و جوانمردی است. مردم افغانستان، همه باهم خواهر و برادر بوده، همدیگر را دوست دارند و یکدیگر را محترم می‌شمارند.

وطن‌دوستی به معنای تنفر از دیگران نیست

البته نباید فراموش کنیم که، حب وطن به این معنا نیست که ما از ملت‌ها و کشورهای دیگر، متنفر باشیم و دیگران را تحقیر کنیم. ما جزو خانواده بشری هستیم؛ لذا به همه انسان‌های صلح‌جو و بی‌ضرر احترام متقابل داریم، به خصوص به مسلمانان در هر جایی که باشند محبت می‌ورزیم و احترام می‌کنیم؛ به خاطری که اسلام همه مسلمانان را خواهر و برادر یکدیگر خوانده است. اگر کشورهای ما جدا است، قلب‌های ما یکی است. به گفته علامه محمد اقبال لاهوری (رح):

امر حق را حجت و دعوا یکی است

خیمه‌های ما جدا دل‌ها یکی است

از حجاز و چین و ایرانیم ما

شب‌نم یک صبح خندانیم ما

یعنی: ما مسلمانان همه گی پیرو یک دین حق می‌باشیم که همانا اسلام است و دلیل حقانیت اسلام، در همه جا یکی است و هر چند جاهای زنده گی ما، جدا جدا است؛ اما دل‌های ما یکجا است؛ گرچه ما در مناطق مختلفی؛ همچون: حجاز، چین و سایر کشورها و سرزمین‌ها زنده گی می‌کنیم؛ اما در حقیقت همه گی، به یک قطره شب‌نم تراویده در یک سپیده دم خندان و شاداب می‌مانیم که جدایی و نفرت در میان ما جای ندارد.



شاگردان به دو گروه تقسیم شده، هر گروه در باره افتخارات دینی و فرهنگی افغانستان به گفتگو پردازند و در اخیر نتیجه آن را از طریق نماینده خود در صنف تقدیم نمایند.





- ۱- چرا افغانستان در زمانه‌های قدیم، گهواره‌ی علوم و تمدن‌های گوناگون بوده است؟
- ۲- مردم افغانستان پس از گرایش به دین اسلام، کدام خدماتی را به اسلام انجام دادند؟
- ۳- مردم افغانستان در اوایل و اواخر قرن بیستم کدام امپراتوری‌ها را شکست دادند؟
- ۴- افغانستان چرا به گورستان کشورگشایان شهرت یافته است؟
- ۵- حب وطن به معنای تنفر از دیگران نیست. این مطلب را تشریح نمایید.



یک مقاله در باره حب وطن بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





آزادی نعمت الهی و حق انسانی

مفهوم آزادی چیست؟ در ادوار گذشته و تمدن‌های بشری آزادی چگونه بوده؟ اسلام چگونه برای انسان آزادی بخشید؟ چگونه از آزادی‌های خود استفاده معقول نماییم؟ در این درس پاسخ این سؤال‌ها را مطالعه می‌کنیم.

مفهوم آزادی

خداوند متعال انسان را خلق کرد و با دادن عقل و اراده او را بر سایر مخلوقات برتری بخشید تا خالق خود را به یگانه‌گی پرستش کند و با عزت و کرامت و آزادی زنده‌گی نماید؛ اما دیده شده که انسان در ادوار مختلف تاریخ در نتیجه طغیان و سرکشی، بنده هوا و هوس خود گردیده، یا در اثر جهل و نادانی، اسارت و برده‌گی هم‌نوع خود را قبول نموده است.

پس آزادی یک نعمت الهی و یک حق طبیعی برای انسان است که باید از این نعمت استفاده نماید و کسی این حق طبیعی و اساسی را از انسان سلب نکند.

آزادی از دیدگاه اسلام

دانشمندان و تمدن‌های بشری از آزادی برداشت‌ها و تعریف‌های مختلفی ارائه نموده‌اند؛ در بعضی مکاتب فکری و نظام‌های سیاسی جهان، آزادی‌های انسان کاملاً سلب گردیده، که دوران طولانی قرون وسطی در اروپا و نظام‌های سوسیالیستی در قرن بیستم مثال‌های روشن این امر است.

اما بعد از دوران قرون وسطی و ظهور مفکورهٔ لیبرالیزم در غرب آزادی به صورت مطلق مطرح گردید و نتایج منفی زیانباری را برای انسان‌ها و جوامع بشری بار آورد که تا هنوز دامنگیر بشریت است.

دین مقدس اسلام در زمانی ظهور کرد که انواع برده‌گی و اختناق فکری دست و پای بشریت را به زنجیر کشیده بود. پیامبر اسلام مبعوث گردید تا بشریت را از هر گونه اختناق فکری و قید و بند برده‌گی آزاد سازد. به همین سبب بود که اولین کسانی که به دعوت اسلام و رسالت پیغمبر ﷺ لبیک گفتند برده‌گان و فقرا و مستضعفان بودند.

شعار مسلمانان در فتوحات اسلامی این بود که: «ما آمده ایم تا انسان‌ها را از برده‌گی و اسارت انسان‌ها نجات دهیم، تا تنها بنده‌گی خدا را داشته باشند». به سبب همین شعار آزادی و برابری بود که اسلام در مدت کوتاه به گوشه و کنار دنیا رسید و بشریت را از هر گونه اسارت و برده‌گی نجات داد.

چگونه از آزادی‌های خود استفاده نماییم؟

با وجود این که آزادی از مقام بلند و اهمیت والایی برخوردار است؛ اما باز هم آزادی مطلق وجود ندارد؛ زیرا آزادی مطلق مخالف فطرت انسان است و انسان را از مقام عالی انسانی به صف حیوانات پایین می‌برد؛ بنابراین برخی علمای مسلمان آزادی را چنین تعریف نموده‌اند: «استفاده از حق خود، بدون آنکه به خود و یا به دیگران ضرر برساند». هیچ کسی حق ندارد به نام آزادی به خودش ضرر برساند، به همین سبب انتحار و خودکشی و یا تعذیب جسم در اسلام حرام قرار داده شده است؛ همچنان انسان حق ندارد به نام آزادی به دیگران ضرر برساند؛ چنانکه گفته شده: «سرحد آزادی هر شخص تا آن جا است که به آزادی دیگران ضرر وارد نکند». یعنی همان گونه که کسی حق ندارد به آزادی کسی تجاوز کند، هیچ کس حق ندارد به آزادی دیگران تجاوز نماید.

مثال: یک شخص نمی‌تواند به نام آزادی سبب آزار و اذیت همسایهٔ خود شود، و یا به نام اینکه وی آزاد است کثافات منزل خود را در راه عبور و مرور عامه بیندازد، یا این که



یک متعلم به نام آزادی در راه مکتب به دیگران نا سزا بگوید، یا به خانه‌های مردم سنگ بیندازد و یا میز، چوکی و لوازم مکتب را تلف کند. پس هر انسان مکلف است از آزادی‌های خود طوری استفاده کند که به آزادی‌های دیگران ضرر نرساند. آزادی حقیقی آن است که انسان خود را از بند هوا و هوس آزاد سازد، حقوق خود و حقوق دیگران را بشناسد و آن را رعایت نماید. آزادی حقیقی آن است که انسان به کسی ظلم و تجاوز نکند و همچنان به کسی اجازه ندهد به او ظلم و تجاوز نماید. آزادی واقعی آن است که انسان در گرفتن حق از هیچ کس نترسد، از مظلومان و بیچاره‌گان دفاع نماید و به کمک محتاجان و ضعیفان بشتابد.



شاگردان به سه گروه تقسیم گردیده، هر گروه در میان خود در باره اهمیت آزادی برای انسان گفتگو نمایند؛ سپس یک تن به نماینده گی از هر گروه صحبت نمایند.



- ۱- وظیفه و مکلفیت انسان در روی زمین چیست؟
- ۲- وضعیت آزادی انسان‌ها در دوره‌های گذشته و در برخی از مکاتب فکری و نظام‌های بشری چگونه بوده است؟
- ۳- دین مقدس اسلام چگونه انسان‌ها را آزاد ساخت؟ شعار مسلمانان در فتوحات اسلامی چه بود؟ توضیح دهید.
- ۴- آیا آزادی انسان مطلق است؟ نتایج منفی و زیانبار آزادی مطلق چیست؟ توضیح دهید.
- ۵- در روشنایی آنچه در این درس خواندید، یک تعریف برای آزادی ارائه نموده، آن را تشریح کنید.



تحت عنوان: «از آزادی‌های خود چگونه استفاده نماییم» یک مقاله بنویسید.





اخوت اسلامی، اساس وحدت ملی

عوامل و عناصر وحدت ملی چیست؟ وحدت ملی برای یک ملت چه اهمیت دارد؟ اخوت اسلامی در تحکیم و تقویت وحدت ملی چه نقش دارد؟ در این درس جواب سؤالات فوق را مطالعه می‌کنیم و نقش اخوت اسلامی را در تحکیم وحدت ملی و همبستگی ملت مسلمان افغانستان توضیح و تشریح می‌نماییم.

عناصر وحدت ملی

هر گاه به تاریخ کشورهای جهان نظر کنیم در می‌یابیم که مهمترین عوامل و عناصر وحدت ملت‌ها را: رابطه نژاد و زبان، قوم و قبیله، دین و عقیده، فرهنگ و تاریخ، منافع اقتصادی و زنده‌گی باهمی تشکیل داده است.

البته نقش و تأثیر عناصر یاد شده در وحدت ملی ملت‌های جهان متفاوت می‌باشد؛ برخی ملت‌ها رابطه‌های نژاد و قوم و قبیله را اساس وحدت ملی خود قرار داده، بالای اقوام و ملت‌های دیگر دعوای برتری نموده و جنگ‌های نژادی را به راه انداخته‌اند. برخی ملت‌ها بر اساس تفوق طلبی و منافع اقتصادی اقوام و ملت‌های دیگر را به استعمار کشیده، به غارت سرمایه‌های آنان پرداخته‌اند؛ اما هستند ملت‌هایی که با استفاده از



عناصر وحدت ملی زمینه‌های رفاه، ترقی، صلح و امنیت را برای خود و دیگران تقویت بخشیده اند.

نقش اخوت اسلامی در تأمین وحدت ملی

مردم افغانستان مشترکات زیادی دارند که باشندگان این سرزمین را در ادوار مختلف به دور هم جمع نموده است. مهمترین مشترکات مردم ما دین مقدس اسلام، سرزمین، تاریخ، فرهنگ، زبان، زنده‌گی باهمی و منافع مشترک می‌باشد؛ البته هریکی از این عناصر در وحدت ملی نقش دارد؛ اما اخوت اسلامی اساس وحدت ملی مردم افغانستان را تشکیل می‌دهد.

عقیده اسلامی همه باشندگان سرزمین ما را با داشتن اقوام و قبایل مختلف، فرهنگ و زبان و نژادهای گوناگون برادر یکدیگر می‌سازد. پس رابطه اخوت اسلامی نسبت به هر پیوند و رابطه دیگر مستحکم تر و پایدارتر می‌باشد.

اخوت اسلامی در میان همه افراد جامعه برادری و برابری، محبت و صمیمیت را برقرار می‌سازد؛ زیرا یک مسلمان باید برادر مسلمان خود را به خاطر خدا دوست بدارد و چیزی را که برای خود می‌پسندد برای برادر خود نیز دوست داشته باشد.

اخوت اسلامی در میان افراد جامعه احساس همدردی را پیدا می‌کند و آن‌ها را در غم و شادی یکدیگر شریک می‌سازد؛ زیرا پیامبر گرامی ما می‌فرماید که: مسلمانان مانند پیکر واحد هستند که هرگاه یک عضو این جسم گرفتار درد و رنج شود، همه اعضای جسم احساس درد و رنج و بی‌قراری می‌کنند.

اخوت اسلامی، مردم مسلمان افغانستان را در حالات خطر و در برابر تجاوزات خارجی متحد ساخته، سبب شده تا همه افراد این سرزمین در پهلوی یکدیگر قرار گرفته و تجاوزگران را از میهن خود اخراج نمایند.

اخوت اسلامی در میان افراد جامعه صلح و آشتی، امنیت و همبستگی را برقرار می‌سازد و هرگونه بدبینی و دشمنی در میان مسلمانان را ناروا دانسته و آن را از بین می‌برد؛ زیرا شعار مسلمانان بخش سلام است و سلام دادن به معنای صلح، سلامتی و امنیت می‌باشد.

پس اخوت اسلامی، مهمترین عنصر وحدت ملی و سنگ تهادب همبستگی، قوت، عزت، پیشرفت و ترقی مردم افغانستان به شمار می‌رود. هیچ عنصر و شعار دیگری؛ مانند عقیده و اخوت اسلامی نمی‌تواند مردم مسلمان این سرزمین را به دور خود جمع نماید.



فعالیت

شاگردان با راهنمایی معلم محترم در مورد دوستانی که در مکتب خود و یا بیرون از مکتب، بر اساس «برادری اسلامی» انتخاب نموده اند ابراز نظر کنند.

ارزیابی

- ۱- مهمترین عوامل و عناصر وحدت کشورهای جهان را چه چیزهایی تشکیل می‌دهد؟
- ۲- کدام مشترکات، مردم افغانستان را در مراحل مختلف تاریخ به دور هم جمع نموده است؟
- ۳- در میان عناصر وحدت ملی مردم افغانستان کدام یکی مهمتر است؟
- ۴- اخوت اسلامی چه مفهوم دارد؟

کارخانه‌گی

هر شاگرد در باره این که پیامبر گرامی اسلام بعد از هجرت به مدینه منوره چگونه اخوت اسلامی را در میان مسلمانان عملی ساخت یادداشت‌هایی را در کتابچه خود درج نماید و روز بعدی آن را در صنف توضیح دهد.



قلب آسیا

افغانستان سرزمینی است باستانی که در قلب آسیا موقعیت دارد. به همین لحاظ از اهمیت خاصی برخوردار است. امنیت، صلح و ثبات افغانستان به معنای صلح و ثبات در آسیا و منطقه است. موقعیت استراتژیک افغانستان این سرزمین را به نقطه عطفی در جهان مبدل ساخته است. از همین جهت علامه محمد اقبال لاهوری افغانستان را به قلب آسیا تشبیه کرده، چنین می‌سراید:

خاک را بیداری و خواب از دل است
در مساماتش عرق خون می‌شود
دیده بر دل بند و جز بر دل می‌چ
ملت افغان در آن پیکر دل است
وز گشاد او گشاد آسیا
ورنه گاهی در ره باد است تن
مرده از کین زنده از دین است دل

در نهاد ما تب و تاب از دل است
تن ز مرگ دل دگرگون می‌شود
از فساد دل بدن هیچ است هیچ
آسیا یک پیکر آب و گل است
از فساد او فساد آسیا
تا دل آزاد است آزاد است تن
همچو تن پابند آیین است دل

علامه اقبال لاهوری



معرفی مختصر شاعر

محمد اقبال لاهوری، شاعر، فیلسوف و متفکر نواندیش اسلامی، در سال ۱۸۷۷ میلادی در سیالکوٹ پاکستان چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۳۸ م. در لاهور چشم از جهان فرو بست.



وی پس از تعلیمات مقدماتی برای تحصیلات عالی شامل پوهنتون پنجاب در لاهور گردید و دورهٔ لیسانس و فوق لیسانس را در رشتهٔ فلسفه با احراز درجه اول به پایان رسانید. بعد از آن، تحصیلات خود را در پوهنتون کمبریج در انگلستان و پوهنتون مونیخ در آلمان تعقیب کرد و از پوهنتون مونیخ آلمان به اخذ سند تحصیلی دکتورا در فلسفه نایل گشت. اقبال به چندین زبان تسلط داشت و به زبان‌های دری و اردو شعر می‌سرود، به خصوص به زبان دری اشعار زیادی سروده است که از بهترین‌های ادبیات دری به حساب می‌رود.

شرح شعر

شاعر توانای جهان اسلام علامه محمد اقبال لاهوری (رح) در این شعر که از هفت بیت تشکیل شده مطالب عالی و حقایق بزرگی را بازگو کرده که مفهوم آن به نثر ذیلاً بیان می‌گردد:

در بیت‌های اول، دوم و سوم، شاعر می‌گوید: شور و حرکتی که در درون ما وجود دارد از دل ما، یعنی روح ما سرچشمه گرفته است. جسم ما که اصلاً از خاک آفریده شده خواب و بیداری آن زیر فرمان دل، یعنی روح که نفخه‌یی از روح خدا است می‌باشد. بنابر این زمانی که دل بمیرد، تن خاکی ما نیز دیگرگون می‌شود و عرقی که در سوراخ‌های آن وجود دارد و نشانهٔ حرارت و زنده‌گی است به خون تبدیل می‌شود، یعنی تلخ و افسرده می‌گردد و از جنبش و حیات باز می‌ماند؛ زیرا زمانی که دل به فساد و تباهی می‌گراید، بدن هیچ و نابود می‌گردد؛ چون شریفترین و مهمترین بخش وجود انسان دل او است.

در بیت‌های چهارم، پنجم و ششم، شاعر، قارهٔ آسیا را به یک پیکر انسانی تشبیه نموده، ملت افغان را به مثابهٔ قلب و روح آن معرفی کرده و خاطر نشان می‌سازد که اگر ملت افغان فاسد و تباه شود، قارهٔ آسیا نیز در فساد و تباهی سقوط خواهد کرد و اگر حالت ملت افغان گشایش پیدا کند و بهتر شود حالت آسیا نیز در گشایش و بهبودی قرار خواهد گرفت؛



زیرا که آسیا جسم و افغانستان به مثابه دل آن است و هر گاه که دل آزاد و از هر قید و بند رها و آباد باشد جسم هم آزاد، رها و آباد خواهد بود، ورنه پر کاهی خواهد بود در مسیر وزش باد که به هر طرف رانده می شود و ثبات و قراری نمی داشته باشد. در بیت هفتم شاعر، به اهمیت دین، اخلاق و معنویت اشاره نموده، می افزاید: همچنان که جسم تابع دل است، دل نیز تابع دین می باشد و دل از کینه و حسد و افکار باطل می میرد و از دین و معنویت که هدیه الهی است زنده و پایدار می ماند.



۱. شاگردان شعر را به نوبت بخوانند.
۲. شاگردان به نوبت در باره موقعیت افغانستان صحبت نمایند.
۳. شاگردان مفهوم شعر را به زبان ساده بیان کنند.



- ۱- از شعر اقبال چی آموختید؟
- ۲- بیت زیر چه معنا می دهد، توضیح دهید:
آسیا یک پیکر آب و گل است ملت افغان در آن پیکر دل است
- ۳- با خواندن این شعر چی احساسی پیدا نمودید؟
- ۴- اگر بیتی در باره وطن به خاطر داشته باشید بخوانید.



شعری را که خواندید حفظ کنید.





یادی از شهید پوهاند غلام محمد نیازی

آیا تاکنون نام شهید پوهاند غلام محمد نیازی را شنیده اید؟ وی یکی از شخصیت‌های برجسته و نامدار وطن ماست. آیا شما می‌خواهید مثل او یک شخصیت نامدار و پرآوازه شوید و مانند او مصدر خدمت برای وطن و هموطنان گردید؟ در این درس با گوشه‌هایی از زنده گی این مرد بزرگ آشنا می‌شویم.

تولد و نام

در سال ۱۳۱۱ ه. ش. در ولسوالی اندر ولایت غزنی در یک خانواده متدین و علم‌دوست، طفلی چشم به جهان گشود. پدر و مادر این کودک از فرط محبتی که به پیغمبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ داشتند، نام او را غلام محمد گذاشتند.

تحصیلات

آن‌ها طفل خود را برای فراگرفتن تحصیلات ابتدایی به «مکتب علی هجویری» که در همان ولسوالی بود، فرستادند. غلام محمد نیازی، چون یک طفل با استعداد و زحمتکش بود و درس‌های خود را همیشه با علاقه و شوق می‌خواند و کار امروز را به فردا نمی‌گذاشت،

همه ساله نمرات عالی به دست می آورد. وی دوره ابتداییه را با گرفتن درجه عالی به پایان رسانید و برای تحصیلات متوسطه و ثانوی به شهر کابل رفت و شامل مدرسه دینی امام ابوحنیفه گردید.

غلام محمد نیازی به خاطر سخت کوشی و پشت کاری که داشت از مدرسه مذکور نیز با کسب درجه عالی فارغ شد و جهت تحصیلات عالی به مصر اعزام گردید. وی در پوهنخی اصول دین «پوهنتون اسلامی الازهر» دوره لیسانس و ماستری را در علم حدیث تمام نموده، در سال ۱۳۳۶ ه. ش. به وطن بازگشت نمود.

عودت به وطن و فعالیت‌های اداری و علمی

شهید استاد غلام محمد نیازی، زمانی به وطن عودت نمود که به یک دانشمند لایق و متخصص در رشته علم حدیث تبدیل شده و به مدارج عالی دانش و کمال نایل گردیده بود، از این جهت به عنوان رئیس پوهنخی شرعیات پوهنتون کابل، برگزیده شد. وی در دوران تحصیل در مصر، با نهضت اسلامی، تماس برقرار کرد و با افکار و آرمان‌های آن آشنایی پیدا نمود.

شهید استاد غلام محمد نیازی، مرد بردبار، شکیبا، با وقار و بی ریا بود. استاد نیازی شیدای دین، شیفته دانش و عاشق وطن بود؛ لذا برای فدا کاری در راه اسلام و تلاش برای گسترش علم و خدمت به خاطر ترقی و سرافرازی وطن، کمر همت بست.

دعوت و روشنگری

وی در پهلوی تدریس و خدمات ارزنده علمی، به دعوت و روشنگری در میان جوانان، استادان و طبقه تحصیل کرده پرداخت. در آن زمان تعدادی از محصلان و جوانان تحصیل کرده و حتا عده‌یی از استادان، تحت تأثیر تبلیغات فریبنده «کمونیسم» قرار گرفته با جانبداری از دولت اتحاد شوروی و فعالیت‌های ضد دینی، می‌خواستند به حیثیت، افکار و عقاید دینی جوانان وطن ما آسیب برسانند. استاد نیازی که در آن شرایط، خاموشی و بی‌طرفی را خلاف مسؤولیت دینی و ملی می‌دانست، وارد صحنه مبارزات دینی و سیاسی گردید و با عده‌یی از استادان و محصلان، جریان «نهضت اسلامی افغانستان» را راه اندازی نمود.

وی به خاطر پخش و نشر تعالیم نجات بخش اسلام و بیداری نسل جوان به تلاش‌های پیگیر و فعالیت‌های شبانه روزی پرداخت. برخی از فعالیت‌های استاد، در این بخش عبارت بود از:



- شامل کردن مضامین دینی در سؤالات کانکور، برای ورود به پوهنتون.
- جلوگیری از الحاق فاکولته شرعیات با فاکولته حقوق که توسط بعضی‌ها به خاطر حذف شرعیات در حال عملی شدن بود.
- تأسیس مجله علمی و تحقیقی شرعیات.
- تأسیس مرکز تحقیقات اسلامی، در چوکات پوهنتون کابل.
- تدویر محافل تربیتی و کنفرانس‌های دینی.

زندانی شدن و شهادت

در همین اوضاع و احوال بود که سردار محمد داوود خان در سال ۱۳۵۲هـ. ش. با یک کودتای نظامی پسر کاکایش محمد ظاهر شاه را که پادشاه افغانستان بود، سرنگون کرد و قدرت را خود به دست گرفت. سردار داوود خان، با تحریک کمونیست‌ها که در دستگاه حکومت وی نفوذ داشتند، فعالیت‌های نهضت اسلامی را برای قدرت خود خطرناک تشخیص داد؛ لذا تعدادی از اعضای برجسته نهضت اسلامی و در رأس پوهاند غلام محمد نیازی را دستگیر و به زندان افکند. رژیم داوودخان اول استاد نیازی را به اعدام محکوم نمود؛ اما بعد از تطبیق آن حکم منصرف شده، وی را به حبس ابد محکوم کرد. شهید پوهاند نیازی، پس از این که چهار سال را در زندان سپری کرد، در سال ۱۳۵۷هـ. ش.، حکومت کمونیستی به کمک دولت تجاوزگر اتحاد شوروی به قدرت رسید؛ چون کمونیست‌های تازه به قدرت رسیده، با شخصیت‌های دیندار و وطن‌دوستی؛ همچون استاد نیازی، کینه دیرینه داشتند و وجود آن‌ها را مانعی بر سر راه برنامه‌های خود می‌دانستند، او را به طور ظالمانه و نا جوانمردانه به شهادت رسانیدند.

استاد غلام محمد نیازی، این عالم با عمل و دانشمند دلسوز و مبارز پرشور و شجاع، پس از تحمل شکنجه‌های طاقت فرسا و تحمل سال‌ها رنج و مشقت در زندان، به خاطر مبارزات اسلامی و فعالیت‌های وطن‌دستانه، جام شهادت نوشید و به پیشگاه خداوند مهربان و دادگر شتافت. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



شاگردان به دو گروه تقسیم شده، هر گروه به طور جداگانه در مورد شخصیت و کارنامه شهید پوهاند نیازی، گفتگو و مباحثه نمایند؛ سپس نتیجه آن را توسط نماینده شان پیش روی صنف ارائه دهند.





- ۱- چرا استاد غلام محمد نیازی در دوره تحصیل همیشه به درجهٔ اعلی کامیاب می شد؟
- ۲- شهید استاد نیازی پس از بازگشت به وطن به چه کارهایی پرداخت؟
- ۳- چند صفت از صفتهای خوب استاد نیازی را ذکر کنید.
- ۴- داوود خان چرا استاد نیازی را به زندان افکند؟



در بارهٔ شخصیت و کارنامهٔ شهید پوهاند نیازی مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





جهاد مردم افغانستان بر ضد تجاوز اتحاد شوروی

آیا می‌دانید که جهاد چه معنا دارد و مقام آن در اسلام چیست؟ چرا ملت مسلمان افغانستان بر ضد تجاوز دولت بزرگی به نام اتحاد جماهیر شوروی به جهاد پرداخت؟ چه عواملی باعث شد تا ملت ما در جهاد خود به پیروزی رسید؟ در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم.

منظور از جهاد چیست؟

جهاد در لغت به معنای تلاش و کوشش است و در اصطلاح عبارت از هر کوششی است که به خاطر حمایت از دین اسلام و ارزش‌های آن صورت می‌گیرد. اگر جهاد مطلق ذکر شود منظور از آن در شریعت اسلامی این است که هرگاه دین و مقدسات، یا سرزمین مسلمانان از طرف دشمنان مورد تجاوز قرار گیرد، آنان باید برای دفاع از دین و سرزمین خود از هیچ نوع سعی و تلاش و قربانی و فداکاری دریغ نورزند. جهاد در راه دفاع از دین و حریم وطن و عزت و نوامیس ملی، به صورت جنگ‌های آزادی بخش و مسلحانه صورت می‌گیرد.



زمانی که دشمنان به دین و سرزمین مسلمانان حمله کنند، جهاد مسلحانه در راه خدا، از نظر اسلام یک فریضه دینی و ایمانی محسوب شده، ثواب و پاداش خیلی فراوان دارد. خداوند متعال در قرآن کریم مجاهدان را به پیروزی در دنیا و به مقام والا و درجه بلند در آخرت وعده کرده و کسانی را که در راه جهاد کشته می‌شوند، به نام شهید یاد نموده، آنان را به عالیترین مرتبه در بهشت مرزده داده است.

جهاد مردم افغانستان در برابر اتحاد شوروی

جهاد در راه خدا هم نشانه ایمان‌داری است و هم علامت وطن‌دوستی. از همین جهت وقتی که دولت تجاوزگر اتحاد شوروی در ۶ جدی سال ۱۳۵۸ ه. ش. به کشور عزیز ما افغانستان حمله کرد و آن‌را اشغال نمود، مردم مسلمان و سلحشور ما به خاطر دفاع از مقدسات دینی و استقلال و آزادی وطن خویش، به جهاد پرداختند. در این جهاد همه شیرمردان و شیرزنان این میهن اسلامی به طور یکپارچه و متحدانه اشتراک ورزیدند.

دولت شوروی به خاطر حمایت از رژیم دست‌نشانده که در اثر کودتای خونین هفت ثور سال ۱۳۵۷ ه. ش. به میان آمده بود، به وطن عزیز ما تجاوز کرد. دولت شوروی می‌خواست وطن ما را اشغال و با خاک خود ضمیمه نموده، به جای اسلام برنامه‌های بی‌دینی را در آن پیاده نماید.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در این تجاوز، با هزاران تانک و توپ و طیاره جنگی و دهها هزار عسکر مسلح و آموزش دیده مجهز بود؛ اما مجاهدان افغانستان جز اسلحه عادی و امکانات اندک چیزی در اختیار نداشتند. جنگ میان مجاهدان از یک طرف و اردوی شوروی و کمونیست‌های^(۱) افغانی از طرف دیگر، ده سال دوام پیدا کرد.

۱- کمونیست‌ها گروهی بودند که از افکار و نظریات کارل مارکس یهودی، پیروی می‌کردند و به خدا و روز آخرت ایمان نداشتند. آن‌ها در سال ۱۹۱۷م. به رهبری لنین در روسیه قدرت سیاسی را به دست گرفتند و پس از آن مناطق مسلمان نشین آسیای میانه و قفقاز و همچنان اوکراین، آذربایجان، ارمنستان و قسمت‌هایی از کشورهای اسکندناوی در اروپا را تحت اشغال خود در آوردند و آن‌ها را به جمهوریت‌های خورد و کوچک تقسیم نموده از مجموع آن‌ها اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل دادند. آنان برای اشغال این کشورها و تطبیق اهداف و برنامه‌های کمونیستی خویش در این مناطق زیاده از بیست میلیون انسان بیگناه را به قتل رسانیدند. نظامی که در شوروی حاکم بود، بی‌نهایت بی‌رحم و ستمگر بود.

دولت اتحاد جماهیر شوروی برای اشغال افغانستان و ضمیمه نمودن آن با قلمرو خود به این کشور حمله کرد؛ اما سرانجام خودش با شکست مواجه گردید و در اثر آن شکست، اتحاد جماهیر شوروی نیز فرو پاشید و به پانزده جمهوریّت جداگانه تجزیه گردید.



نتیجه جهاد مردم افغانستان در برابر شوروی

در دوران جهاد، میلیونها نفر از هموطنان ما به شهادت رسیدند، معیوب و معلول گردیدند و میلیونها نفر مجبور به ترک وطن شده به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. بخش بزرگی از شهرها و آبادیهای وطن ما ویران شد؛ اما سرانجام به یاری پروردگار، مجاهدین پیروز شدند و دولت شوروی که در آن وقت بزرگترین و قدرتمندترین دولت جهان به حساب می‌رفت، شکست خورد و سرزمین ما را در هشت دلو سال ۱۳۷۸ ه. ش. با سرافکننده‌گی، ترک کرد. شکست شوروی در مقابل مجاهدین افغانی سبب فرو ریختن رژیم‌های کمونیستی در جهان گردید.

عوامل پیروزی مجاهدان در برابر شوروی

عواملی که باعث پیروزی مجاهدان و شکست کفار متجاوز گردید، عبارت بود از:

- ایمان قوی مجاهدان به خدا و روز آخرت.

- وحدت و یکپارچه‌گی ملی.

- عشق آتشین به وطن و حب استقلال و آزادی.

ما فرزندان متدین و وطن‌دوست افغانستان، با الهام از پدران و نیاکان مجاهد خود، وطن و سرزمین خویش را دوست داریم و همیشه برای دفاع از دین و استقلال میهن خود با جان و مال آماده می‌باشیم.



شاگردان به دو گروه تقسیم شده، هر گروه در باره موضوع درس باهم گفتگو و مباحثه نمایند؛ سپس نتیجه آن را توسط نماینده خود، در صنف ارائه کنند.



- ۱- جهاد چه معنا دارد؟
- ۲- منظور از جهاد در شریعت اسلامی چیست؟
- ۳- در زمانی که سرزمین مسلمانان از طرف دشمنان مورد تجاوز قرار گیرد، جهاد چه حکم دارد؟
- ۴- خداوند متعال به مجاهدین چه وعده کرده و به شهیدان چه مژده داده است؟



- ۵- اتحاد شوروی چرا به افغانستان حمله کرد و آن را اشغال نمود؟
۶- عواملی که باعث پیروزی مجاهدین و شکست دولت شوروی گردید چه بود؟



شاگردان یک مقاله در بارهٔ جهاد مردم افغانستان بنویسند که از ده سطر کم نباشد.





دین اسلام، اساس وحدت مسلمانان

وحدت و یکپارچه‌گی قوت است و تفرقه و بی‌اتفاقی، سبب ضعف و ناتوانی. دین اسلام در ایجاد وحدت و اتحاد میان مسلمانان نقش بسیار مهم دارد. در این درس در باره نقش اسلام در وحدت مسلمانان معلومات حاصل می‌کنیم.

اسلام دین توحید است و پیروان خود را همواره به سوی اتحاد و همبسته‌گی دعوت نموده و آنان را از پراکنده‌گی و بی‌اتفاقی منع می‌کند. قرآن کریم با تأکید بر اصل وحدت انسان‌ها مسلمانان را برادر خوانده است، به این معنا که، مسلمانان از هر قوم، نژاد و زبان در هر جایی که باشند باهم برادر اند و باید روابط آنان با یکدیگر بر همین اساس، یعنی اصل برادری استوار باشد. برادر با برادر دوستی و محبت دارد و یکی برای دیگر خیرخواه می‌باشد. از همین سبب است که در قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ بار بار به این امر تأکید شده است که مسلمانان باید متفق و متحد باشند و کاری نکنند تا سبب تفرقه و چند پارچه‌گی صف آنان شود.

الله متعال در قرآن کریم مسلمانان را به وحدت امر نموده و می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ یعنی به دین اسلام چنگ بزنید و متفرق و پراکنده نشوید.



در آیت دیگری الله متعال مسلمانان را از نزاع و بی اتفاقی منع فرموده است؛ زیرا بی اتفاقی سبب ضعف و از بین رفتن نیرو و قوت مسلمانان می شود. از نظر اسلام عقیده و ایمان قویترین رشته یی است که مسلمانان را با هم پیوند می دهد و هر قدر این رشته نیرومند باشد به همان اندازه وحدت و اتفاق میان مسلمانان قویتر می باشد. ملت مسلمان افغانستان که متشکل از اقوام متعدد است با پیروی احکام و ارزش های دین مقدس و انسان ساز اسلام، در سایه بیرق توحید و کلمه مبارکه «لا اله الا الله محمد رسول الله» متحد و یکپارچه زنده گی می کند. فرزندان مخلص این سرزمین با درک وجیه اسلامی شان در برابر هر نوع تعصب و بی اتفاقی مبارزه نموده، اجازه نمی دهند که پراکنده گی و اختلاف در میان ملت واحد افغانستان راه یابد و سبب ضعف و تفرقه هموطنان مسلمان ما شود. دین و عقیده ما حکم می کند تا با هم برادروار زیست کنیم و در خوشی و غم یکدیگر خود را شریک دانسته و کاری نکنیم که خدا نخواستہ سبب بی اتفاقی و ضعیف شدن وحدت ملی ما شود.



شاگردان به گروه ها تقسیم شده و هر گروه در مورد اهمیت اتحاد و اتفاق میان هموطنان عزیز ما با هم مباحثه نمایند.



- ۱- چرا اتفاق باعث قوت و پراکنده گی باعث ضعف ملت ها می شود؟
- ۲- قرآن کریم چرا مسلمانان را برادران یکدیگر خوانده است؟
- ۳- قویترین رشته یی که مسلمانان را با هم ارتباط می دهد چیست؟



شاگردان در باره «نقش اسلام در وحدت مسلمانان» مقاله یی بنویسند که از هفت سطر کم نباشد.





ملا فیض محمد کاتب هزاره

کشور عزیز ما، افغانستان مهد شخصیت‌ها و دانشمندان نام‌آور است. به اثر تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر آن‌ها کشور ما به مرحله‌ی کنونی رسیده است. ما یاد آن‌ها را تازه نگه می‌داریم و کارنامه‌های آن‌ها را سرمشق زنده‌گی خود می‌سازیم. از جمله‌ی دانشمندان، نویسنده‌گان، سیاست‌مداران و بزرگان ملی در این جا به معرفی نویسنده و مؤرخ کشور، روانشاد ملا فیض محمد کاتب هزاره می‌پردازیم.

ملا فیض محمد کاتب هزاره فرزند سعید محمد از اهالی ولایت غزنی و متولد سال ۱۲۸۹ قمری، یکی از تاریخ‌نگاران و نویسنده‌گان بزرگ کشور ما محسوب می‌شود. وی عضو گروه مشروطه خواهان بود. مدتی در زندان شیرپور محبوس بود و با آغاز عصر امانی از زندان رها گردید.



ملا فیض محمد کاتب هزاره مرد روشنفکر، نویسنده و محقق شهیر کشور است. وی یک روشنفکر تحول طلب بود که همراه با دیگر روشنفکران در آغاز قرن بیست، دست به مبارزه زد. اثر مشهور وی به نام «سراج التواریخ» یک منبع شایسته در زمینه تاریخ قرن نوزده افغانستان به حساب می‌رود.

آثار مرحوم کاتب

۱- تحفة الحیب

کاتب نویسنده پرکار و مؤرخ عالمی بود که از طرف امیر عبدالرحمن خان برای تاریخ‌نگاری گماشته شد. وی کتاب ضخیمی در دو جلد به نام تحفة الحیب مشتمل بر وقایع عصر احمد شاهی الی عصر عبدالرحمن خان را در ۸۸۵ صفحه نوشت.

۲- سراج التواریخ

این کتاب یکی از نخستین کتاب‌های ضبط وقایع دولتی افغانستان شمرده می‌شود. این کتاب مشتمل بر پنج جلد می‌باشد که جلد اول و دوم آن مربوط به وقایع قبل از جنگ دوم افغان و انگلیس می‌باشد، جلد سوم آن به دوره امارت امیر عبدالرحمن خان تعلق دارد، جلد چهارم کتاب سراج التواریخ مربوط به سال‌های اخیر امیر عبدالرحمن خان و دوره امیر حبیب الله خان الی جلوس شاه امان الله خان غازی می‌باشد و جلد پنجم کتاب سراج التواریخ مشتمل بر احوال حکومت ده ساله امیر امان الله خان است.

۳- فیضی از فیوضات

کتابی است در مورد تاریخ سیاسی افغانستان. به قول مرحوم علامه حبیبی، در کتاب موضوعاتی بوده که شامل یادداشت‌های خود کاتب است.



۴- تاریخ حکمای متقدمین از هبوط آدم (ع) تا بعثت حضرت عیسی (ع)

این کتاب برای صنوف رشديه (ابتداییه) و به تصویب وزارت معارف در ۲۸۹ صفحه به طبع رسید.

۵- تذکرة الانقلاب

کاتب در این کتاب وقایع اغتشاش و سقوط سلطنت امانی را از چشم دید خود به طور روزنامه کوچک تحریر نموده است.

محمد سرور واصف کندهاری، فیض محمد کاتب و غلام محمد غبار سه مرد بزرگی بودند که در جمله سایر بزرگان، نخبه گان و وطندوستان از دیار کندهار، غزنه و کابل نامها و کارکردهای شان درخور ستایش و قدردانی می باشد. هر سه مرد در جنبش مشروطه خواهی و استقلال افغانستان سهیم بوده اند.

نام کاتب هزاره و سایر علما و نویسندگان کشور در صفحات تاریخ کشور ما ثبت است. کارکردها و مبارزات آنها مشعل راه هر فرد این کشور خواهد بود.



شاگردان به گروهها تقسیم شده، در مورد تألیفات و کارکردهای ملا فیض محمد کاتب صحبت نموده و نتیجه صحبت های خویش را توسط نماینده گان گروه به سایر شاگردان توضیح دهند.



- ۱- ملا فیض محمد کاتب هزاره در کجا و در کدام سال تولد یافته است؟
- ۲- اثر ارزشمند ملا فیض محمد کاتب چه نام داشته و اهمیت آن چیست؟
- ۳- تألیفات ملا فیض محمد را نام ببرید.



شاگردان پیرامون زنده گی ملا فیض محمد کاتب یک مقاله بنویسند و در آن اهمیت سراج التواریخ را توضیح دهند.





صلح و بازسازی وطن

هموطنان ما طی سه و نیم دهه اخیر از اثر تجاوز خارجی و اختلافات و نبردهای ذات البینی خسارات زیادی را متحمل گردیدند؛ کشته شدند؛ به کشورهای همجوار و سایر کشورهای جهان به مهاجرت مجبور گردیدند و تعلیم و تربیه، زراعت و مالداری، تعمیرات، سرک ها، صنعت و غیره، نه تنها از پیشرفت دور ماند؛ بلکه با تخریب و ویرانی مواجه شد. در این زمان، از اولویت های مهم کاری ما تحکیم صلح و بازسازی وطن است. صلح و بازسازی در یک کشور چه اهمیت دارد و ارتباط میان این دو چیست؟ بیایید که در مورد آن در این درس معلومات حاصل نماییم.

صلح و امنیت ضرورت مبرم جامعه بشری است، در صلح عبادت الله متعال به وجه احسن و بهتر انجام می شود، علوم توسعه و اشاعت می یابد، مسلمانان به طور آزاد به سوی دین الله دعوت می نمایند، جان و مال مردم در امان می شود و آن ها در حالت اطمینان و سکون از همه نعمات زنده گی لذت می برند.

جنگ و اختلاف بدبختی می آفریند، میان مردم جدایی و نفرت می آورد، کشور را ویران می سازد، به تعلیم و تربیه زیان می رساند، مرض و گرسنه گی را ایجاد می کند و هر بخش

زنده گی را زیانبار می گرداند.

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ (النساء ۱۲۸) یعنی: و صلح بهتر است. بلی، هرگاه بر خاک و ارزش های دینی مسلمانان تجاوز صورت گیرد و برای جلوگیری آن ها بدون جنگ راه دیگری نباشد، پس چنین جنگ را جهاد می نامند و پیش بردن آن طبق احکام اسلامی، باعث ثواب زیاد می گردد.

اما جنگ های ذات البینی و کشتن برادران و خواهران مسلمان، یک کار حرام و ناروا بوده و در طول تاریخ هرگاه چنین کاری رخ داده، مسلمانان بر آن افسوس نموده و باعث پشیمانی و عقب مانگی ایشان گردیده است.

برای از بین بردن اختلافات ذات البینی بهترین راه، صلح و شورا می باشد که بدون زیان، زور و جبر مشکل را حل می سازد.

اگر در کشور صلح و امنیت برقرار باشد، مردم به فراگیری علوم در فضای آرام توجه نموده و در آبادی کشور سهم فعال می گیرند، مکاتب، پوهنتون ها، شفاخانه ها، عمارت ها، پل ها و سرک ها ساخته می شود، بندهای برق، نهرها و جوی ها برای زراعت آماده می شود و بازسازی به وجود می آید. در نتیجه کشور ما به پای خود ایستاده شده، از احتیاجات دیگران رهایی می یابیم و ضرورت های زنده گی را به بازوهای خویش آماده می سازیم. شاگردان عزیز! چنانچه الله متعال صلح را می پسندد، همچنان آبادی زمین را از ما طلب نموده و دوست دارد که بر بنده خویش نشانه های نعمت را مشاهده کند. سرسبزی زمین و خوشبختی مردم پیام اسلام است.

نفرت و فساد از نظر اسلام مردود بوده، کشتن و ویرانی در قرآن کریم، کار نافرمانان محسوب شده است.

پس بیایید که مردم را به صلح دعوت نماییم و به بهانه های کوچک از ریختن خون مسلمانان، ایشان را بر حذر داریم، به جای جنگ و اختلاف در آبادی وطن جد و جهد نماییم تا با سربلندی تمام، در میان اقوام جهان زنده گی کنیم.



شاگردان اهمیت صلح و زیان های جنگ را به نوبت بیان نمایند.





- ۱- اهمیت صلح را بیان نمایید.
- ۲- زبان‌های جنگ‌ها و اختلافات ذات‌البینی را بگویید.
- ۳- در مورد صلح هدایت قرآنی را با ترجمه بنویسید.
- ۴- میان جهاد و جنگ‌های ذات‌البینی فرق چیست؟
- ۵- ارتباط بین صلح و بازسازی را بیان نمایید.
- ۶- در مورد آبادی کشور و خوشبخت ساختن مردم حکم اسلام چیست؟



هر شاگرد در قریه و محل خویش یک خدمت عملی را انجام داده و در درس آینده گزارش آن را تقدیم نماید، این خدمت می‌تواند: جاروب کردن مسجد، پاک کردن مکتب، کوچه و محل بود و باش، جمع کردن اشیای اذیت‌کننده، پلاستیک و بوتل‌ها از پیاده‌روها و غیره باشد.





سهم گیری در آبادی کشور وجیبۀ دینی و ملی ما است

کشور ما افغانستان، به خاطر جنگ‌های پیهم گذشته، از کاروان پیشرفت و ترقی عقب مانده است. ما باید وطن خود را آباد کنیم و آن را به شاهره ترقی و کمال سوق دهیم. این کار هم یک مسؤولیت دینی است و هم یک مکلفیت ملی. در این درس با مفاهیم بالا آشنا می‌شویم.

آباد کردن زمین یکی از اهداف آفرینش

یکی از اهداف خلقت و پیدایش انسان اعمار و آبادی زمین و استفاده از نعمت‌هایی است که خداوند متعال آن‌ها را برای استفاده انسان خلق کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (سوره هود).

یعنی (خداوند) شما را از این زمین آفرید و شما را به اعمار آن مکلف ساخت. بنابراین آیت کریمه، کار و تلاش به خاطر آبادی زمین وجیبۀ دینی هر انسان مسلمان است. دستورات اسلامی زیادی وجود دارد که در آن‌ها به کارهایی که فایده آن به مردم می‌رسد، امر شده است؛ مانند: غرس نهال، کشت و زراعت، ساختن راه‌ها، پل‌ها، مساجد، مکاتب و مدارس، حفرچاه‌های آب، جوی‌ها، کاریزها و غیره.



کار برای آباد کردن دنیا صدقه جاریه است

کار و زحمت به خاطر آبادی زمین یک عملیه دوامدار است و تا روز قیامت ادامه دارد. رسول اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی بود، باید آن را غرس نماید.

تلاش برای آبادی زمین، علاوه از فواید دنیوی، پاداش اخروی نیز دارد؛ زیرا که این کار بهترین صدقه جاریه به شمار می‌آید که مطابق به حدیث شریف اجر همیشه‌گی آن به کسانی که در آن کارها سهم داشته‌اند، حتی پس از مرگ شان می‌رسد. با درک همین مکلفیت شرعی بود که مسلمانان پیشین با پشتکار و تلاش مستمر یکی از بزرگترین تمدن‌های بشری؛ یعنی تمدن اسلامی را اساس گذاشتند که در اثر آن زمینه برای اکتشافات و تحولات و ابتکارات امروزی، در رشته‌های مختلف علوم و تکنالوژی به وجود آمد.

مسئولیت ما، در اعمار وطن

ما افغان‌ها به حکم دین مقدس اسلام باید در اعمار و آبادی وطن عزیز خود مخلصانه کوشش نماییم. سعی و تلاش برای آبادی و ترقی و تعالی کشور، نه تنها یک مسئولیت ملی محسوب می‌شود؛ بلکه یک وجیبه اسلامی و دینی نیز می‌باشد. باید توجه داشت که عزت و سرفرازی مسلمانان در گرو قوت و نیروی آن‌ها است و پس از نیروی ایمان و وحدت مسلمانان، ترقی و پیشرفت اقتصادی بزرگترین نیرو و قوت آن‌ها است. پیامبر اکرم ﷺ مسلمان قوی را در نزد خداوند ﷻ محبوبتر از مسلمان ضعیف خوانده است. از این‌رو، بر ما لازم است تا در آبادی و ترقی وطن عزیز خود و نیرومندی آن با جدیت و جان‌نثاری بکوشیم تا مردم و کشور ما در بین ملل جهان جای مناسبی را احراز نمایند.

کار برای دنیا و آخرت از نظر اسلام

علمای بزرگ اسلام گفته‌اند: کارهای دنیوی را چنان انجام دهید که گویا دایم زنده هستید و کارهای اخروی را چنان انجام دهید که گویا فردا می‌میرید. در آبادی زمین باید کارها را طوری انجام دهیم که گویا دایم زنده هستیم، تانسل‌های



بعدی از آن مستفید شده بتوانند، یعنی در کارهای آبادی باید منافع درازمدت آن را در نظر بگیریم؛ چنانکه ما امروز از کارهایی که گذشته گان ما انجام داده اند مستفید می شویم، پس ما هم باید با پیروی از شیوة نیاکان خود کارهایی را در ساحه عمران و آبادی کشور خود انجام دهیم که هم در زمان ما مفید باشد و هم برای نسل های بعدی سهولت های زنده گی را فراهم سازد.

آبادی زمین و تهیه وسایل خوب، خانه خوب و محیط زنده گی خوب، پاک، نظیف و مجهز باتمام وسایل ضروری زنده گی، خواسته اسلام از مسلمانان بوده عبادت شمرده می شود و موجب آسایش ما در دنیا و اجر و ثواب زیاد در زنده گی اخروی می گردد؛ زیرا عبادت به معنای عام آن به هر کار و خدمتی گفته می شود که به اساس امر اسلام و نیت خدمت به مردم انجام شود.



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول در مورد اهمیت دنیوی و گروه دوم در مورد ارزش اخروی آبادی بحث کنند؛ سپس یکدیگر را به وسیله نماینده های گروه در نتیجه بحث شریک سازند.



۱ - هدف ومفهوم آیت «هوأنشاءکم من الأرض واستعمرکم فیها» چیست؟ مختصر توضیح دهید.

۲ - معنای حدیثی را که در مورد نهال شانی خواندید بیان کنید.

۳ - صدقه جاریه چه را می گویند و چرا آباد کردن زمین صدقه جاریه حساب می شود؟

۴ - کار برای دنیا و آخرت را واضح سازید.



شاگردان با بزرگان فامیل و یا قریه شان در مورد ضرورت بازسازی و آبادی گفتگو نمایند و خلاصه آن را در یک مقاله تحریر کنند.



حقوق و مسؤولیت‌های متقابل افراد جامعه

از آن جا که خداوند ﷻ انسان را موجود اجتماعی خلق کرده است، هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند ضرورت‌ها و نیازمندی‌های خود را برآورده سازد، بنا براین انسان‌ها باید با همدیگر در تعاون و همکاری متقابل قرار داشته باشند.

اینجاست که مسأله حقوق و مسؤولیت‌های متقابل در جامعه به میان می‌آید. افراد جامعه بالای همدیگر حقوقی پیدا می‌کنند که باید از هر دو طرف، رعایت شود و در برابر این حقوق مسؤولیت‌هایی بر عهده‌شان می‌افتد که باید در ادای آن غفلت نورزند. ما که جزئی از جامعه می‌باشیم، باید با این مفاهیم آشنا شویم تا با توجه و عمل به آن‌ها در رفاه و سعادت جامعه تأثیرگذار باشیم. درس امروز ما، بر محور همین موضوعات می‌چرخد:

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل چیست؟

منظور از حقوق متقابل این است که افراد یک جامعه چه خورد باشند و چه بزرگ، چه زن باشند و چه مرد، چه خویشاوند باشند و چه بیگانه، چه همسایه باشند و چه دور، همه بر یکدیگر حقوقی دارند و همه از یکدیگر توقعاتی می‌داشته باشند که باید این حقوق و توقعات برآورده شود.

منظور از مسؤولیت‌های متقابل این است که هر کدام از این افراد، در برابر یکدیگر بعضی



مسئولیت‌ها و مکلفیت‌هایی نیز دارند که با استفاده از حقوق ذکر شده باید آن‌ها را انجام دهند؛ یعنی در برابر هر حقی مسئولیتی و در برابر هر مسئولیتی حقی وجود دارد.

ادای مسئولیت‌های متقابل، باعث سعادت و نجات جامعه

زنده‌گی مرفه و سعادت‌مند در یک جامعه، وقتی میسر می‌شود که افراد آن، حقوق و مسئولیت‌های خود را درک نموده، برای به دست آوردن حقوق و انجام مسئولیت‌های خود، کوشا باشند.

پیغمبر اکرم ﷺ در حدیثی جامعه را به سرنشینان یک کشتی تشبیه کرده و فرموده است که اگر چند نفر از سرنشینان یک کشتی برای سوراخ کردن آن اقدام کنند، و دیگران احساس مسئولیت نکنند و دست آن‌ها را نگیرند، آب آهسته آهسته داخل کشتی شده باعث غرق شدن کشتی و هلاکت همه سرنشینان آن می‌شود؛ اما اگر سرنشینان کشتی احساس مسئولیت کنند و دست خرابکاران را بگیرند، همه نجات پیدا می‌کنند و به‌طور سالم به منزل مقصود می‌رسند^(۱).

حقوق و مسئولیت‌های متقابل والدین و فرزندان

از جمله کسانی که حقوق و مسئولیت‌های متقابل بر یکدیگر دارند فرزندان و والدین اند. حقوقی که فرزندان بالای والدین دارند و والدین باید در حد توان در ادای آن سعی کنند، این است که نخست از همه به تعلیم و تربیه، صحت، لباس، خوراک و پوشاک آن‌ها باید توجه جدی نمایند و از عطف و مهربانی پدری و مادری آن‌ها را بهره‌مند سازند. والدین هم بالای فرزندان حقوقی دارند که فرزندان باید در انجام آن غفلت نکنند. طور مثال: باید به والدین احترام بگذارند، به نصایح و مشوره‌های آن‌ها گوش فرا دهند، وقتی آن‌ها پیر و ضعیف می‌گردند، از آن‌ها دستگیری و حفاظت نمایند و در حق شان دایم دعای خیر کنند.

حقوق و مسئولیت‌های متقابل شاگرد و معلم

غیر از پدر و مادر در بین شاگرد و معلم نیز حقوق و مسئولیت‌های متقابل وجود دارد:

۱ - صحیح بخاری، کتاب بدأ الوحی، حدیث شماره: ۲۴۹۳ چاپ شده در ضمن کتاب الفتح الباری.



حقوق شاگردان بالای معلمان این است که در تعلیم و تربیه شاگردان مخلصانه بکوشند و تجربیات و اندوخته‌های خویش را به بهترین روش به ایشان انتقال دهند، و حقوق معلمان بر شاگردان این است که شاگردان به استادان خویش از صمیم قلب احترام بگذارند، به اندرزه‌های عالمانه آن‌ها با دقت توجه نمایند، مطابق به رهنمایی‌های ایشان رفتار کنند و کارهای خانه‌گی خود را به‌طور احسن انجام دهند.

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل همسایه‌گان

همسایه‌گان نیز بالای یکدیگر حقوق متقابل دارند و باید حقوق و مسؤولیت‌های همدیگر را که عبارت از تعاون و همکاری، احترام متقابل و ضرر نرسانیدن به همدیگر است، با اخلاص رعایت نمایند.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «کسی که همسایه‌اش از ضرر او در امان نباشد، مسلمان کامل نیست.»

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل میان ما و وطن

ما در برابر وطنی که در آن زنده‌گی می‌کنیم؛ یعنی افغانستان، نیز حقوق و مسؤولیت‌ها داریم. در دامان این وطن متولد می‌شویم، از آب و خاک و هوای آن مستفید می‌گردیم و در آغوش آن به جوانی می‌رسیم. این‌ها حقوقی‌اند که در وطن خویش از آن‌ها مستفید می‌شویم.

بنابر این در برابر وطن نیز، مسؤولیت‌هایی داریم که باید در انجام آن غفلت و سهل‌انگاری نکنیم. از جمله باید به وطن محبت داشته باشیم، به ارزش‌های آن وفادار بمانیم، از قوانینی که در آن حاکم است فرمان ببریم، در آبادی، پیشرفت و ترقی آن با اتحاد کوشش نماییم و اگر خدای ناخواسته استقلال، آزادی، حیثیت و عزت آن مورد تاخت و تاز دشمن قرار گیرد، برای دفاع از آن از هیچ‌گونه فداکاری و ایثار دریغ نورزیم. این است نشانه حب وطن و علامت آزاده‌گی و جوانمردی.



شاگردان به دو گروه تقسیم شده یک گروه در باره حقوق و مسؤولیت‌های متقابل والدین و فرزندان و گروه دیگر در باره حقوق و مسؤولیت‌های متقابل معلم و شاگرد گفتگو و



مباحثه نمایند و نتیجه آن را از طریق نماینده خود در صنف ارائه دهند.



- ۱- منظور از حقوق متقابل در میان افراد یک جامعه چیست؟
- ۲- مسؤولیت‌های متقابل در یک جامعه چه معنا دارد؟
- ۳- پیغمبر اکرم ﷺ جامعه انسانی را به یک کشتی تشبیه کرده است. در این باره روشنی بیندازید.
- ۴- حقوق و مسؤولیت‌های متقابل میان والدین و فرزندان را بیان دارید.
- ۵- حقوق و مسؤولیت‌های متقابل شاگردان و معلمان را بیان کنید.
- ۶- حقوق و مسؤولیت‌های متقابلی را که در میان همسایه‌گان وجود دارد بنویسید.
- ۷- مسؤولیت‌هایی را که ما در برابر وطن داریم توضیح دهید.



با استفاده از حدیث رسول اکرم ﷺ که جامعه را به سرنشینان یک کشتی تشبیه کرده، یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.





استقلال و آزادی

استقلال از لحاظ سیاسی، به این معناست که یک کشور در وضع و اجرای قوانین و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط به خود از آزادی عمل برخوردار باشد و آزادی از نگاه سیاسی به این معناست که یک کشور بدون فشار و دخالت دیگران حق اقدام و انتخاب داشته باشد. در این درس با چگونه‌گی استرداد استقلال کشور از زیر سلطه برتانیای کبیر، به طور مختصر آشنا خواهید شد.

استرداد استقلال کشور از اشغال انگلیس‌ها

مردم افغانستان روی احساس حب وطن و آزادی خواهی در سال ۱۹۱۹ م. / ۱۲۹۸ هجری شمسی تحت زعامت مدبرانه‌ی اعلی‌حضرت امان‌الله خان غازی با اتحاد و اتفاق در یک پیکار مقدس؛ ولی کاملاً نابرابر با سر دادن نعره‌های الله اکبر از هر گوشه و کنار میهن، در سه محاذ بر استعمارگران انگلیسی یورش بردند، صفوف آن‌ها را درهم شکستند و سر انجام استعمارگران را وادار به، به رسمیت شناختن استقلال کشور نمودند. ملت ما با تحمل قربانی‌های زیاد، استقلال کشور را دوباره به دست آوردند و برای ما به ارث گذاشتند.

ترقی کشور پس از حصول استقلال

دولت افغانستان بعد از استرداد استقلال به مرحله جدیدی قدم گذاشت و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن تغییرات قابل ملاحظه‌ی بی‌وجود آمد؛ مثال: معارف کشور با مراکز علمی و فرهنگی جهان رابطه برقرار کرد و علاوه بر آن به تأسیس صدها باب مکتب ابتداییه، ده‌ها باب لیسه، دارالمعلمین و مکاتب مسلکی در سراسر کشور اقدام شد. در اثر سعی و تلاش علامه محمود طرزی پدر ژورنالیزم کشور، زمینه برای نشرات در کشور ما مساعد و محدودیت‌های گذشته از مطبوعات رفع شد، در پهلوی انتشار جراید و مجلات دولتی و غیر دولتی یک دستگاه کوچک رادیو نیز در کشور ما به نشرات آغاز کرد.

مسئولیت ما در زمان کنونی

با گذشت زمان، وطن ما افغانستان فراز و نشیب‌های زیادی را دیده است. اکنون که وطن ما در مرحله گذار از جنگ و ویرانی در جهت تفاهم، صلح، وحدت ملی و بازسازی در حرکت است، با اهمیت ترین درس برای ما به منظور رسیدن به آرزوها و فایق آمدن بر مشکلات، اتحاد همه نیروها و هماهنگی میان نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور است. ما باید همه در یک صف واحد قرار گرفته به خاطر آبادی وطن، استقرار صلح پایدار و خنثی نمودن دسایس و مداخلات خارجی، جد و جهد نماییم.



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و روی مطالب زیر باهم بحث نموده، نتیجه را نمایندۀ هر گروه به دیگران بیان نماید:

- استقلال یعنی چه؟

- آزادی یعنی چه؟



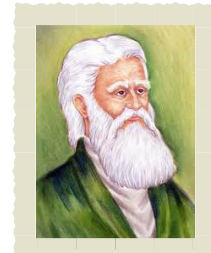
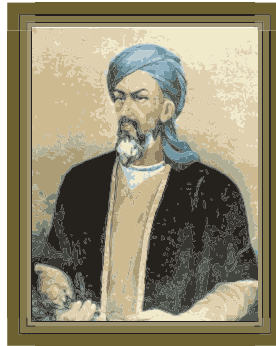
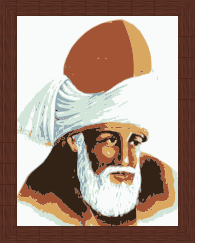
۱- افغانستان در چه وقت و تحت زعامت کدام پادشاه به استرداد استقلال نایل آمد؟ مختصر توضیح دهید.

۲- بعد از استرداد استقلال، در کشور ما چه تغییراتی به وجود آمد؟ کوتاه توضیح دهید.



زیر عنوان «استقلال و آزادی» مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





افغانستان مهد علم و تمدن

از گذشته علم و تمدن در کشور عزیز ما افغانستان چه می‌دانید؟
 آیا با نام‌های دانشمندان مشهوری که از سرزمین ما برخاسته و برای بشریت خدمات
 ارزشمندی را انجام داده‌اند آشنا هستید؟
 چگونه می‌توانیم مجد علمی و مدنی گذشته وطن عزیز خود را دوباره احیا کنیم؟
 درین درس جواب سؤال‌های یاد شده را خواهیم خواند.

کشور عزیز ما افغانستان سابقه علمی و مدنی درخشان دارد.
 سرزمین ما زادگاه دانشمندان نامور و برجسته‌یی است که در عرصه‌های مختلف علم
 خدمات بزرگی را برای تمدن بشری انجام داده‌اند.
 نام‌های دانشمندانی؛ چون: امام محمد غزالی، امام فخرالدین رازی، ابو ریحان البیرونی،
 ابن سینای بلخی، ابو نصر فارابی، مولانا جلال الدین بلخی، خواجه عبدالله انصاری
 هروی، عبدالحی گردیزی، سید جمال الدین افغانی، پیر روشن، میا فقر الله جلال آبادی،
 عبدالرحمان بابا و ده‌ها عالم دیگر این سرزمین و کارنامه‌های درخشان علمی آنان درج
 تاریخ تمدن بشری می‌باشد.

این دانشمندان که از این مرز و بوم برخاسته اند هر کدام در یک و یا چند رشته علم دست آوردهای مهمی دارند که در پیشرفت و غنای علمی دانش و تمدن بشری نقش داشته است. بدون شک ظهور دانشمندان بزرگ و رونما شدن کارنامه‌های علمی ارزشمند توسط آنان از یک طرف نتیجه زحمات و کوشش‌های شبانه‌روزی این علمای فرهیخته برای رسیدن به مدارج بلند دانش است و از جانب دیگر، محصول فضای علمی و وجود مراکز درس، تحصیل و تحقیق در آن زمان می‌باشد.

زیرا در جامعه‌یی که علم و ادب ارزش داشته باشد، افراد آن علم‌دوست و رهبران آن علم پرور باشند، علم رشد می‌کند و تمدن انکشاف می‌یابد.

شهرهای کهن و تاریخی؛ مانند: بلخ، هرات، غزنی، نیشاپور، سمرقند، بخارا، مرو، بست و غیره هر کدام از جمله مراکز بزرگ علمی و تمدنی جهان به شمار می‌رفت و طلاب علم و معرفت از جاهای دور برای آموختن علم به آن جا رو می‌آوردند.

از این رو می‌توان گفت که وطن عزیز ما مهد علم و تمدن است و ایجاب می‌کند تا فرزندان افغانستان با فراموش نکردن تاریخ علمی و مدنی سرزمین شان؛ مانند نیاکان خویش برای به دست آوردن علم و دانش مردانه کمر همت ببندند تا بار دیگر ملت ما مقام بلند علمی و گذشته خویش را به دست بیاورد.

ترقی و پیشرفت همه‌جانبه کشور تنها از راه علم و معرفت ممکن است و باید همه با هم در راه آبادی و آرامی معنوی و مادی میهن عزیز خود سعی و تلاش به خرج دهیم.



شاگردان با کمک معلم محترم مضمون، در مورد گذشته علمی افغانستان با هم صحبت نمایند.



- ۱- تعدادی از دانشمندان نامور وطن عزیز را نام بگیرید.
- ۲- بعضی از شهرهای کشور را که در گذشته مراکز علم و تمدن بوده اند نام ببرید.
- ۳- چرا در گذشته، مردم برای کسب علم و دانش به سرزمین ما می‌آمدند؟

